

مفید حضور - بنده تصور میکنم نکته این مسئله خیلی اهمیت دارد و اگر چنانچه این حکمیانی بخواهد منتقل به خارج کند حتماً باید به اجازه مجلس باشد.

رئیس - مذاکرات کافی است حالارای میگیریم و اول باید در پیشنهاد مشیر حضور که اجازه مجلس شورای ملی را پیشنهاد کرده رای بگیریم.

حاج آقا - نیشود رای گرفت.

رئیس - چرا نیشود رای گرفت.

حاج آقا - بجهت اینکه موضوع اینماده امتیاز است و آن بکمیسیون رجوع شده این باید بماند تا پس از راپورت کمیسیون.

رئیس - درالحاق این کلماتیکه آقای مشیر-حضور پیشنهاد کردهاند رای گرفته میشود آقایانیکه اصلاح آقای مشیرحضور را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس - قابل توجه شد بر میگردد بکمیسیون ماده سیزده خوانده میشود.

ماده ۱۳ - بعد از انقضاصدقت این خطم بزور هم بهر نقطه که کشیده شده باشد با تمام متعلقات آن مجاناً بدولت واگذار میشود.

دکتر سعیدالاطباء - در صورتیکه با امتیاز رای داده شد و رفته است بکمیسیون گمان نمیکنم مذاکره در این ماده جای داشته باشد بجهت اینکه در صورتیکه امتیاز قبول شود گمان نمیکنم شرکت حاضر باشد که پس از مدت اجازه سیم و متعلقانرا بدولت واگذار کند باینجهت بنده پیشنهادی کرده ام که این ماده را جاع شود بکمیسیون.

حاج وکیل الرعایا - گمان میکنم اکثریت مجلس هم نظری غیر از این نظر بنده نداشته باشند یا این سیم کشرا تا پنجاه سال دیگر مانع تغییر نمی دانیم که فقط بکنفر سیم کشی بکنند و تا پنجاه سال دست دیگران را ببندیم و خیلی انتظارها را با آتیه این ملک داریم و گمان میکنم بعد از آنکه نظر مجلس تا یک اندازه معلوم شده است و قابل توجه شد و مانع لغتیری را هم تصور نمیکنم تصویب بکنند با وجود آن اینماده را لازم میدانم و پس از پنجاه سال تصور میکنم هر منفعتی که کرده است سکنای است و باید پس از این مدت بدست ملائک اولش بیسار د.

حاج شیخ اصدالله - همان قسمیکه مذاکره شد و آقایان فرمودند این شرکت و این شرکاء باین ماده حاضر شده اند در صورت امتیاز در صورتی که با امتیاز رای بدیم و در صورتیکه با امتیاز رای نهدیم رای هیدیم که سصد هزار تومان مال دولت باشد باید دید که طرف هم داخل است یا خیر خوبست اینهم بر گردد بکمیسیون.

رئیس - دو فقره پیشنهاد شده است خوانده می شود.

از طرف دکتر سعیدالاطباء - بنده تقاضا میکنم که ماده سیزده بر گردد بکمیسیون.

از طرف هشترودی - بنده پیشنهاد میکنم نوشته شود با تمام متعلقات از زمین و غیره بدولت واگذار میشود.

رئیس - اول رای میگیریم در ارجاع بکمیسیون

آقایانیکه تصویب میکنند ارجاع بکمیسیون را قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس - تصویب شده ماده ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ اداری لفظ امتیاز است ارجاع بکمیسیون میشود ماده ۱۱ نوشته شده خوانده میشود (ببابت ذیل خوانده شد)

ماده ۱۱ - در نقطه از نقاط که خطه سیم تقاله واقع شود و شرکت بخواهد در آنجمل انباریاجای کارگران بنا نماید در صورتیکه در اراضی باثربه دولت واقع شود بدون ادای هیچ وجهی با تعیین وزارت فوائد عامه دولت اراضی لازمه را بشرکت اعطاء خواهد فرمود (انتظارالواظنین)

رئیس - رای میگیریم بماده ۱۱ بطوری که قرائت شد آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد بقیه شور در این امتیاز میماند برای روز شنبه از مغرب خواهش دارم تاروز شنبه عصری راپورت بدهد لایحه از طرف دولت پیشنهاد شده است راجع با تمداد مدت امتیاز راه اهواز که با کمیانی لایحه است رجوع میشود بکمیسیون قوائد عامه دستور روز شنبه شور در بقیه لایحه راجع بشرکت قدس سازی قانون اداری مزارف اگر وقت شود - راپورت کمیسیون بودجه راجع به هشتاد و نه هزار تومان که از بودجه دربار برگشت کرده است بکمیسیون راپورت کمیسیون بودجه راجع بوزنه فتح الله خان مجاهد

ادب التجار - در باب این ماده طرح قانونی بنده سی و پنج شش نفر تقاضا کرده بودند که راپورتش خوانده شود تقاضا میکنم حالا اگر وقت داشته باشیم رای گرفته شود.

سلیمان میرزا - در جلسه گذشت تقاضا کردم آن پیشنهادی که از طرف وزارت علوم شده بود در خصوص مضاری که برای اثاثیه مدارس پیشنهاد شده است گویا چون مده کافی نبود آقای نایب رئیس رای نگرفته و مذاکره هم ندارد گویا همه آقایان موافق باشند که بدون مذاکره بگذرد.

رئیس - چون آنرا معاون وزارت معارف امضاء کرده بود بنده پس فرستادم که وزرا امضاء کنند اگر تا روز شنبه آمد جزه دستور شنبه میگذاریم والا میماند بروز یکشنبه.

معین الرعایا - خاطر نمایندگان محترم بخوبی مسبق است که گفته ام است آذربایجان حاکم ندارد و در بدو امر آقای علاءالدوله را معین کردند نویسنده از مدتی نمی دانم بجهت ملاحظه استمفاده بدما از آن حضرت والا عین الدوله را معین کردند سه ماه تمام است که کمتر وقتی شده است انجن بلاکش ایالتی آذربایجان برای تسریع حرکت آقای عین الدوله تلگراف نکرده باشد و ما نمایندگان آذربایجان سماء تمام است در تکاپو بوده ایم که حضرت والا بآذربایجان بروند با هم بقصود خودمان نایل نشدیم حال حضرت والا فرمانفرما را حاکم کرده اند نمی دانم ایشان هم مثل آقایان سابق الذکر حکومت آذربایجان را برای استفاده شخص خودش قرار خواهد داد که از اسم حکومت آذربایجان استفاده بکنند یا خواهد رفت امیدوارم خداوند فردای قیامت در معکبه عدل خود داد مظلومین آذربایجان را از این اشخاص بگیرد در این ضمن هم وزرا عظام در نظر گرفته اند

که قشونی در صحت ریاست آقای سردار بهادر و مسبب بفرم شأن بآذربایجان بفرستند ما تصور کردیم که بنده اند امروز صبح لز آقای رئیس الوزرا وزیر داخله سؤال کردم فرمودند نرفته اند همه آقایان وضع آذربایجان را میدانند که آذربایجان در چه آتش میسوزنی هیچ بنده لازم نیست عرض کنم حالا تقاضا میکنم که یک کمیونی از مجلس تشکیل شود چونکه ماوکلای آذربایجان هم ارضان از تأثیر افتاده است یک کمیونی تشکیل شود از آن مجلس که با وزرا ملاقات کرده اردویی در این چند روزه بفرستند حالا بنا بر مقدس اسلامیت و ایرانیت از مجلس مقدس شورای ملی تقاضا میکنم که یک کمیسیون پنج شش نفری معین کنند که با وزرا ملاقات نمایند اولاً در باب تسریع حرکت حکومت که حکومت فوری حرکت کند و بعد در باب حرکت اردو قراری بدهند و بعد از رفتن اردو اگر حکومت چند روزی تأخیر کند عیبی نخواهد داشت لکن رفتن اردو اصلاً خیلی لازم است

رئیس - بنده گمان میکنم این نوع مذاکره کردن در اینجا هیچ فایده نداشته باشد یا باید از وزرا سؤال کنید یا استیضاح

معین الرعایا - مقصود بنده ابدأ سؤال و استیضاح نبود مقصود تقاضای کمیونی بود که بروند بطور رسمی یا غیر رسمی بخواهند کارود را بفرستند.

رئیس - این راهم بنویسید و رای بگیریم والا اگر من بخواهم اینطور اجازه هارا بدم مجلس از نظم خارج خواهد شد

(در این موقع که یکساعت ونیم از شب گذشته است رئیس حرکت کرد مجلس ختم شد)

جلسه ۳۱۴

صورت مشروح روز شنبه

۵ شهری قعدة الحرام ۱۳۲۹

رئیس (آقای مؤمن الملك) ۳ ساعت و ربع کم قبل از غروب بجای خود جلوس نموده پس از ده دقیقه افتتاح شد (صورت مجلس روز پنج شنبه سیم را آقای آقا میرزا ابراهیم خسان قرائت نمودند)

(قرائین جلسه قبل) بدون اجازه آقایان آقا شیخ ابراهیم زنجانی - آقا سید محمد باقر ادیب حسنعلیخان - میرزا علی اکبر خان با اجازه آقایان معزز الملک - حاج مصدق الملک آقایانی که از وقت مقرر تأخیر نموده اند - آقا شیخ رضا ۳۰ دقیقه آقای طباطبائی ۴۰ دقیقه آقای حاج امام جمعه نیم ساعت

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی اگر هست بفرمائید

آقای سید حسن مدرس - بنده در اصل واگذار کردن سیم تقاله بدولت حرفی نداشتم در کیفیت واگذار کردن سیم و متعلقات بعد از ۵۰ سال بدولت حرف داشتم

بهجت - ماده دوم را بنده زائد ندیده ام نسیم در آنجائی که نوشته بود در موقع لزوم مرخصی کردم در موقع لزوم لازم نیست قید شود البته بجهت اینکه کمیانی خودش در آن موقع بهر یک از مفادنی که

لازم بداند ابتدا خواهد داد و دیگر اینکه در ذیل آن ماده نوشته بود که با اجازه وزارت فوائد عامه عرض کردم در صورتیکه مجالس اجازه میدهند دیگر اجازه وزارت فوائد عامه را لازم ندارد فقط باید با اطلاع وزارت فوائد عامه باشد

دکتر سعید الاطباء — این در صورت مجلس نوشته شده بنده آقای هشتروندی یک پیشنهاد کرده بودم در صورتیکه بنده پیشنهاد نکرده بودم فقط تقاضا کرده بودم که ماده ۱۳ بکمیسیون ارجاع شود

مهمین الرعایا — مقصود از هرایض بنده چنانچه عرض کردم اعتراض نبود تقاضا کردم کمیسیونی برای مذاکره باوزراء تشکیل شود

رئیس — این اعتراضات همین طوریکه گفته شد اصلاح میشود دیگر مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد)

رئیس — صورت مجلس با این اصلاحات تصویب شد

ادیب التجار — چون يك ماده از آن دو ماده پیشنهادی بنده در کمیسیون بودجه با اتفاق آراء تصویب شد و راپورتش بهتت ورتسه رسیده است تقاضا میکنم که امروز اگر مجلس مساعدت میکنند بجزه دستور گذاشته شود

رئیس — رأی میگیرم در اینباب آقایانی که تصویب میکنند که این مطلب بجزه دستور امروز بشود قیام نمایند (اقلب قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد راپورت حکمیسیون فوائد عامه راجع بشرکت قند سازی قرائت میشود ماده اول (ماده اول راپورت دوم کمیسیون فوائد عامه بعبارت ذیل قرائت شد) :

ماده اول — امتیاز تأسیس سیم نقاله مطابق مواد ذیل از کهریزک بطهران و از طهران باوشان بشرکت قندسازی داده میشود .

میرزا یالیسی — از قرار راپورت ثانوی کمیسیون فوائد عامه معلوم میشود مسئله سیم نقاله را بعنوان امتیاز بمجلس پیشنهاد میکنند نه بعنوان اجازه اگر این امتیاز معنیش اینست که در این راه

مخصوص کماز اوشان بطهران و از طهران بکهریزک امتداد این سیم نقاله و حمل و نقل ذغال منحصر به همین بشرکت قندسازی است بنده چنانچه در جلسه

سابق عرض کردم مخالفت خودم را حالا هم عرض میکنم و مخالفت بنده الان عرض میکنم که از چهاره است اول مخالفتی که با این مسئله دارم يك مخالفت

مسبکی است که باتمام مسائل انحصاری دارم و تمام انحصارها را در مملکت مخالف میدانم تا بحال در هیچ مملکتی دیده نشده است يك چیزی را انحصار

بکنند یا اینکه يك انحصاری را اسباب پیشرفت مملکت تصور کنند و اسباب خرابی مملکت نشود این از یکطرف و از طرف دیگر انحصار دادن

این مسئله باین وضع واضح مملکت مشروطه مابکی مخالف است چرا برای اینکه سابق براین دولت استبدادی داشتیم هر سکن امتیازی از این دولت

میخواست میرفت چند نفر وزیر را میدید و يك امضاء صدر اعظمی میگرفت بدون اینکه کسی بداند این امتیاز چند ساله است هر چه میخواست میگرفت و این باوضع دولت مشروطه بکلی مخالف که اینگونه

انحصارها داده شود بدون اینکه بزیاده گذاشته شود و بتمام مملکت اعلان شود که دولت می خواهد امتیاز

بدهد و همین طور بردارد و بدون اینکه اعلان بزیاده بدهد يك کسی یا يك شرکته انحصار و امتیاز بدهد در وزارت فوائد عامه مذاکره شده

است بدون این سکه کسی بفهمد در مجلس آمده است و تقاضای فوریت شده است و در دو مجلس می خواهند رأی بدهند و بگذرد اینکه

اعلان شود و معلوم بشود که آیا شرکته دیگری هست که این را بهتر از این قبول کند درست است که ما باید همیشه بانتجار داخله همراهی بکنیم و من هم

خیلی مایل به ولی بانتجار داخله باید مساعدت بکنیم در صورتیکه طرف مقابل آنها تجار خارجه باشند نه اینکه همراهی با آنها بکنیم در صورتیکه طرف

مقابل یا آنها تمام اهل مملکت است آیا همراهی از اهل مملکت لازم تر است که وظیفه مجلس هست یا

همراهی با یکسته از تجار و قبل از آنکه هرایض خودم را بخدمت برسانم این را باید عرض کنم که بعضی

اینکه این مسئله در شهر معلوم شد که بربروز مجلس شورای ملی می خواهد یا عقیده دارد که انحصار سیم نقاله را از معادن ذغال سنک لار و اوشان بطهران

و از طهران آلی کهریزک يك شرکته بدهد پیدا شدند بعضی ها که پیشنهاد فرستادند و بنده یقین دارم که دیروز پیشنهادشان را برای دولت فرستاده اند

ولی چون دیروز جمعه بوده است هنوز بمجلس رسیده است شاید جماعتی باشند که این امتیاز را اگر بانحصار باشد بشرايط خیلی بهتری قبول بکند

یعنی بشرايطی که منفعتش نسبت بمال دولت و اهالی از اینکه اینجا شده است خیلی بهتر باشد اولاً بنده مخالف با اینکه يك انحصاری کسی داده شود ولی

وقتی که دولت خودش را مجبور ببیند که يك مسئله را بطور انحصار يك کسی بدهد باید بقاوه و قوانینی که حالیه هست بطور مزایده داده شود و او را بتمام

مملکت اعلان کند و بآن اشخاصی که بهتر از این قبول می کنند بدهند نه اینکه يك دسته اشخاصی که هر جور خودشان پیشنهاد میکنند قبول شود .

دکتر اسمعیل خان — نوبت بنده است و چون بنده قبل از وقت اجازه خواسته ام .
رئیس — فقط نوشته اید بعد از يك مخالف معلوم نیست در چه ماده موافقت .

حاج آقا — بنده با اینکه اساساً در مواد امتیازات موافق عقیده آقای میرزا یانس تا

بتوانم امتیازات را تصویب نمی کنم ولی نه از باب مسلکاً مخالف با امتیازات باشم بلکه برعکس دادن

بعضی امتیازات باشم بلکه برعکس دادن بعضی امتیازات و الازم می دانم که بعضی اشخاص داده شود و بعضی ترقیات صنایعی یا تجارتی را در مملکت طریقی شرا

منحصراً میدانم با امتیازات ولی البته مادامیکه ممکن باشد امتیاز ندانم و انحصار نداشتن بیک نفر یا چند نفر

البته بهتر است این اساساً ولی در اینجا چون يك مطلب دیگر است که نه فقط امتیاز سیم نقاله است که از ضمن ذغال سنک از اوشان بطهران کشیده شود این حقیقتاً يك امتیازی است که گرفته میشود بجهت

تسهیل امور کارخانه قندسازی باید این را در نظر داشت که اگر ما میخواستیم فقط در مجلس صحبت این را بکنیم که يك شرکته در مملکت تأسیس شده است که

می خواهد امتیاز سیم نقاله را بجهت حمل و نقل اشیا از فلان نقطه بفلان نقطه بگیرد البته تمام آن

اشکالاتی را که آقای میرزا یانس کردند در اینجا وارد بود ولی چون حقیقتاً این يك شرکته است راجع بیک کارخانه دیگر که اگر امروز بدانیم صد

شرکت دیگر تأسیس میشود و فرض بفرمایید بشرايط اسهل از این این امتیاز را قبول میکنند ولی ندانیم

که فایده اش راجع بکارخانه قند سازی است ابتدا تصویب نخواهیم کرد که امتداد این سیم نقاله امتیاز

داده شود ولی چون مربوط بکارخانه قندسازی است و میدانیم که منظور از این امتیاز این بوده و هست که

این کارخانه قند سازی و امثال این در مملکت که آرزوی همه ما ها است راه بیفتد و چون آن

شرکتهای دیگر که مرتبط باین نیست از این جهت این شرکت اگر چه شرايطش هم مشکل تر از این

باشد بنده این امتیاز را لازم میدانم که داده شود و دیگر اینکه ندانستن ملت که فرمودند و همچنین

پیشنهاد تجار را از همین نقطه نظر تصدیق خواهند فرمود که این ابدأ مباین با این مطلب نیست بواسطه

اینکه ما وقتی باید اینرا اعلام کنیم بدیگران که نظر ما بکارخانه قند سازی نباشد اما اگر نظر بکارخانه

قندسازی است ما باید بدانیم که شرکت قندسازی می خواهد چون همه نظر ما بسته بکارخانه قندسازی

است و شرکت قندسازی میگوید بدون این امتیاز نمیتوانیم این کار را بکنیم و ما هم نظرم آن

شرکت قندسازی است و می خواهیم در حقیقت این شرکت راه بیفتد نه آنکه فقط يك امتیازی داده

باشیم که سیم نقاله از اوشان بطهران را امتداد دهند از این جهت بنده لازم میدانم برای مساعدت با شرکت

قند سازی همه جور مساعدت با این کمیانی کرده باشیم و چون اساساً می خواهیم این نمره کا خانجات

در مملکت راه بیفتد نباید از لفظ امتیاز هم استیضاح بکنیم با اینکه اگر خود شرکت راضی شده بود

یا اینکه بعد از این راضی شود ما نیگفتیم باید امتیاز داده شود اما شرکت چون بدون این امتیاز

اظهار کرده است که پیشرفت کارش نمیشود و بنده در جلسه سابق مخالف با امتیاز بودم از نقطه نظر اینکه

خود شرکت هم امتیاز نخواسته و چون بعضی اعضاء کمیسیون هم اینطور اظهار کرده بودند ولی حالا چون ملتفت شدم که شرکت بدون اینکه امتیاز دارا

باشد پیشرفت امور خودش را نمی بیند از این جهت بنده موافق هستم که از نقطه نظر قند سازی همه

نوع با این شرکت مساعدت بکنند بجهت اینکه مقصود ما قندسازی است نه اینکه يك امتیازی بدهند

راجع بسیم نقاله و از این جهت اگر پیشنهادها می شده است و شرايطی هم سهل تر باشد باز از نقطه نظر قندسازی این را باید مقدم بدانیم

حاج امام جمعه — در اینجور مسائل نظر بصلاح مردم و مملکت است مثلاً ما خیلی را نیبیم و می خواهیم که قند سازی اینجا باشد برای چه برای دو مسئله یکی اینکه این جنس را ارزانتر بخریم و یکی این که پولمان بسلکت خارجه نرود برای این دو مسأله نمیشد شش آنقدر حریص نمیشد که این کارخانجات احداث بشود تمام مقصود شماها که خیر خواه هستید این است حالا می خواهیم نفع و ضرر این کار را بسنجیم يك قند سازی در کهریزک می خواهیم درست بکنیم

اولا میخواستیم بفهمیم بر فرض اینکه دائر هم بشود ثلث یا نصف قند این شهر را با الله بدهد احتیاج ما را بکلی از خارجه رفع میکند نه ما را از خارجه غنی میکند اگر نقطه نظر ما همین باشد که نصف یا ثلث قند این شهر را بتواند بدهد این یک صنعتی است در مقابل این میخواستیم یک امتیاز سیم کشی از اینجا تا کهریزک و از اینجا تا ممدن را باو بدهیم اینجا دو نقطه نظر است یکی برای مصالح این کارخانه میخواستیم یک سیمی از ممدن بکشید این یک صنعتی است بسیار خوب و بسیار مفید برای ترفیع عساکر کارخانه و یکی دیگر اینست که یک کسی میخواست بیاید این سیم را از ممدن لار بکشد که در حقیقت ذغال سنک این شهر منحصر به آنجاست ذغال سنک این شهر را بنهیم بآن کارخانه که دیگر کسی نتواند سیم بکشد از لار یا اینجا برای آوردن ذغال سنک باین شهر تا امروز بواسطه عدم اطمینان مردم به کارهای دولت و بامتیاز دولت یعنی عدم اطمینان داخله اینچنین کارها را اقدام نکرده اند ولی بعد از این اینطور کارها خیلی اقدام خواهد شد آن روز اینجا بعضی از نمایندگان توضیح دادند که خرواری پنجقران مخارج استخراج دارد و از آنجا هم تا اینجا که باسیم بیاید این دیگر چندان مخارج هندبر نمی دارد لکن وقتیکه این را بشکلی امتیاز بکسی دادند دیگر کسی نیست که بیاید در مقابل این مدعی بشود آن وقت آنچه میخواست بدله خود میخواست حالا خواهیم فرمود که دولت باین شرکت یک قطع و قراری میگذارد آن هم باز آن فایده که مباحل مردم میخواست داشته باشد میبود این هم معلوم است وقتی کسی دیگری نمیتواند بیاید از ممدن ذغال سنک تا اینجا سیم بکشد که برای او مفید باشد اگر مفید نباشد که کسی دیگر نمی تواند سیم بکشد پس بنظر بنده نفع و ضرر را که ملاحظه میکنیم ضرور منفعت امتیاز راه از ممدن ذغال تا طهران را چون از اینجا تا کهریزک را مخالف نیست ولی از ممدن ذغال تا اینجا اگر امتیاز بدهند یک قسمت بزرگی از مال مردم را داده اند باین کمپانی و حال آنکه یک کارخانه قند سازی برای مادر کهریزک دائر خواهد شد اما باید ببینیم که این ضرر برای مردم زیادت است یا منفعت محققاً این ضرر بیشتر از آن منفعتی است که حاصل میشود .

رئیس - آقای حاج سید ابراهیم موافقت فرمائید (دکتر اسمعیل خان - گویا نوبت به بنده رسیده باشد بنده هم موافقم .

رئیس - عرض کردم اینجا نوشته اید بمدار یک مخالف این یک چیز مهمی است ممکن است در یک ماده ده نفر مخالفت بکنند بمدار تمام آنها که نمیشود شما مذاکره کنید اینطور که معین میشود باید معین کنید در کدام ماده در چه وقت اجازه میخواست میفرستم آنجا معین کنید .

حاج سید ابراهیم - بهین ملاحظاتی که آقا فرمودند بنده عرض میکنم که این امتیاز برای همان مقصود هم مانع است بجهت اینکه امتیاز سیم نقاله مانع هیچگونه وسائل حمل و نقل نیست با اتومبیل و کاری هر چه بخواهند تأسیس کنند و ذغال را حمل و نقل کنند مخالفت ندارد حالا ببینیم تأسیس این سیم از همین حیث حمل و نقل ذغال برای این

شهر مضر است یا نافع باز در این مواد آنچه ممدن شده است با این وضع حالی می بینم نصف تفاوت میکند سابقاً ذغال خرواری هفت تومان الی هشت تومان فروخته میشد ولی در این جا می بینم از سه تومان و نیم بیشتر نمیتواند بفروشد این خودش یک افتاه فوق العاده است برای این شهر که بواسطه این سیم نقاله آسوده میشوند در گرانی ذغال یعنی آنچه را که هفت تومان میفروشد حالا سه تومان و نیم میخرند همچنین سایر اجناس که با این سیم وارد این شهر میشود یعنی البته وزارت فوائد عامه همین ملاحظه را در سایر اجناس میکنند و آن فایده را که بپردازیم نرسد حالا بواسطه این سیم نقاله میرسد ولی این مطلب را باید در نظر داشت که کلیتاً بامتیازات و ادو قسم کرد یک قسم امتیازات بخارج مثل اینکه ممدن در این خانه امرا نسبت بخارج اجاره هم نباید بدهم که غیر بیاید داخل این خانه شود اما نسبت به داخل بنده ملاحظه میکنم ببینم که در این مملکت ما اگر بهر صد نفری یک امتیاز هم بدهیم باز کاری که محتاج باو باشیم داریم یعنی اگر هر صد نفری یک امتیاز می بخواهند و مسئول یک کاری بشوند باز هم یک امتیازی داریم که بآنها بدهیم این یک میانها و شرکتهای دیگر بعد از این پیدا میشود مگر منحصر است بسیم نقاله کارهای دیگر هم داریم راه داریم صنایع هم داریم زراعت لازم داریم خدا کند اهالی مملکت هر صد نفر صد نفر حاضر شوند هر کدام طریقی را پیش بگیرند و ما هم امتیاز بدهیم و همه جاها آباد شود ولی این امتیاز در این جا در فایده دارد یکی آنکه جلوگیری میکند از تجار داخله که رقابت می کنند بر سر یک موضوع وقتی که معین کردند که این امتیاز مال این شرکت است سایرین از اینجا منصرف میشوند و نظر یک جای دیگر میگیرند که هر دو جا آباد شود ولی اگر چنانچه غالباً واقع میشود تراحم در یک مسئله میکنند آن وقت هیچ کدام در آن ها نائل بمقصد نخواهند شد نظر این این است که یک نفر چند نفر اولاد دارد و چند اطان هر اطافی را برای یک نفر از اولادش معین میکند ولی اگر معین نبود و هرج و مرج بود هر کس در هر اطافی برود اسباب خرابی اطان ها خواهد شد و دیگر آنکه یک نکته مراعات شده است که عیب امتیاز را بر میدارد و آن این است که شرکت اختصاص ندارد با شخص معینی یعنی اینطور نیست که محدود کرده باشند بدو نفر یا بیست نفر این یک شرکتی است که اعلان میکند بملکت که هر کس میخواست در داخله یک سهمی قبول بکند و باین اندازه هم شریک خواهد بود پس در حقیقت گفته ایم این یک انتقامی است برای عموم باین ترتیب که بیاید استخوان دردتر نباشد و یک سهمی را خریداری بکنند و بهمان اندازه منتفع شوند و مطلب دیگر این است که ما باید همما امکان از این تجارت هائی که تأسیس میشود همراهی بکنیم و آن ها را از مصادقات حفظ بکنیم و حفظشان موقوف یک ترتیبی است که بواسطه آن ترتیب از مصادقات آسوده باشد امروز امتیاز دادن بتجار داخله یک سنی است که واجب است آن سنی آهنی را دور آن ها ابتدا بکشیم تا اینکه آن ها بتوانند از رقابت ها و از مصادقات خارجه خود را

محفوظ بدارند و الا دلمان را خوش کنیم که هر کس بتواند مملکت را آباد بکند این چیزی است که نمیشود باید اول محدود کرد و بیک داد که بیاید آباد کند بعد اگر دیدیم اسباب صدمه برای عموم میشود آن وقت هم مدتش که ده سال هست منقضى میشود هم میتوانیم تجدید بکنیم نه اینکه همینقدر که لفظ امتیاز آمد ما بترسیم و وحشت کنیم پس بنده باین امتیاز موافق هستم و خیلی خوششال هستم باین جهت هم اعلان میکنم در مملکت که هر کس میخواست تأسیس شرکتی برای آبادی مملکت کند و میخواست ایران را بدست ایرانی ها آباد بکند بیاید و ما امتیاز باو میدهم و رو بادی میکنیم و نباید مملکت را بیش از این مملول بگذاریم باید هر قدر بتوانیم احتیاجاتمان را بخردمان ارجاع کنیم نه بخارج .

حاج وکیل الرغایا - آنچه بنده از دلائلی که بیان کردند استخراج کردم من حیث المجموع این بیرون آمده که ما نظرم ان بتاسیسات عام المنفعه است و بنده آن را در امتیاز بکلی برهکس می بینم گویا بنده بدین باشم (بعضی گفتند صحیح است) بله صحیح است بنده گمان میکنم یک وقتی طهران آتش کمتر از این بشود و اگر یک کسی می آمد که من حاضرم که یک قناتی بیرون بیاورم و ده یک او را بدولت بدهم آنوقت همین مجلس فوراً امتیاز مانع لایق میشد که هیچوقت کسی نتواند آب بیرون بیاورد و یک بطاری آب را یک قیمت معینی شاید میفروخت و بنظر شما این عرض بنده یک چیز فریبی می آید شاید یک وقتی طهران دارای ده کورور جمعیت بشود و شاید هم وقت او هم خیلی دیر نباشد دیرم نشده دنیا همیشه پرده های عجیب و غریب نشان میدهند بنابراین از آقایان میبرسم که این مانع لغیر را از کدام دلیل میتوان پیدا کرد که ما یک منفعتی میتوانیم پیش بینی کنیم بجز آنکه برای آن چند نفری که این را بآنها میدهم توانست ایم که یک منفعتی برای عموم نمی بینم که ما توانست باشیم پیش بینی بکنیم در امتیاز اما در اجازه شاید بنده خیلی حاضر تر باشم از سایرین که بگویم بعضی از شرایط این را باید تخفیف داد سهارت کرد که مانع لغیر هم نباشد نه اینکه ما بیاثیم بآنها این امتیاز بدهیم با این شرایط و دیگران را مانع شوم و حق انتصاب را از دست بدهیم باید گفت بجهت سبب آخر دیگران نباید حتی از این آب و خاک داشته باشند مانع لغیر را اگر خوب بشکافیم همین معنی را بخوبی در بردارد حالا اگر بگویند خیلی خوب همینقدر در نظر داریم دیگر نه اطلاع ملت لازم است و نه حرف زدن و مثال بنده منم حرفی ندارم اما اگر مقصود مجلس مقدس و آقایان نمایندگان این است که این امتیاز را که میدهند برای یک نفع عمومی است که مراعات حال اقباشان را کرده باشند در صورت امتیاز هیچ همچو موقعی محفوظ نمی ماند و بالاخره چنانچه خواهیم دید حق دیگران را از دست داده ایم چنانچه گفته شد یک خروار ذغال از ممدن به پنجقران از آب بیرون می آید یک روزی هم بیاید که به پنجقران دینار بیاید تا طهران و این هم اینقدر دور نیست ممکن است که خیلی زود به این نتیجه برسند و آنوقت ممکن است تاجر

بمستومان را یک تومان و ده شاهی یا یک تومان و صد دینار بفروشد مردم از هندوستان ذغال میاورند تا بنادر ایران و میروشد تقریباً خرواری پانزده هزار بیرسید به بیند خوب بود آنها هم امتیازی دادند ما از کوه دماوند و از کوه البرز بطهران باید بیاوریم بخرواری سه تومان و نیم و آنوقت بعد ها بگوئیم که ما با حق این ملت خدمت کردیم و برای آنها منتهای جلو جلو شردیم و اینها را شاید بعضی آقایان تصدیق نکنند ولی منم ناچارم از گفتن آقا می فرماید قند سازی خیلی خوب بندهم میخواستم قند سازی راه بیفتد و بنده از همان نظری که میخواستم قند سازی راه بیفتد میگویم امتیاز نباشد بلی بنده عرض میکنم زمینهای با بر افتاده است در این مملکت که میتواند برود زیر زراعت همین اراضی را زیر زراعت بیندازند این اراضی یا مال همین شخص بخصوص است که این کارخانه را خریده است یا مال دوتا است اگر مال همین شخص بخصوص است آقایان همین قند سازی کار شمارا درست نمیکند چنانچه قند سازی میخواست کارخانههای دیگر راهم که از قند سازی لازم تر است میخواست آنوقت چه خواهید کرد اما یکی از آقایان فرمودند که بهر صد نفری اگر یکی از این امتیازات را بشمارند که ما بیسیم چیست این امتیازات بله این مملکت یک چیز هائی دارد که تا یک اندازه ممکن است بامتاز داد و هیچالی چیزی که امروز حسنی است و همه ما میتوانیم بدقت بفهمیم این طهران حاضر را در نظر بگیرند بیست سال پیشش را در نظر بگیرند تا امروزه ببینند با اینکه هیچوقت در تحت نفوذ یک حکومت جابر مملکت آباد نمیشود باز چقدر آباد شده است شما ادعای عدالت و مروت دارید این خودش تأسیس آبادی است و بنده میتوانم پیش بینی بکنم که همین شهر تهران ممکنست ده کورور جمعیت داشته باشد و شما با این امتیاز دست اقباشان را میبندید و ممکن است یک اجازه باشد که شرایطش کمتر و سهل تر نباشد حالا اینرا میدهند حالا دیگر اختیار با خود آقایان است میخواستند امتیاز بدهند میخواستند نهند و بنده با انحصار این بلکه با هر امتیازی مخالفم و از مزایای روزی دم تایش را حاضرم بدهم .

افتخار الواعظین مخبر - بنده اینجا می مانع لغیر و می مانع لغیر و انحصار را می شوم و نهدانم از کجای این ماده استنباط میشود مانع لغیری اولاً باید بدانند که این امتیاز است نه انحصار عرض میکنم شخص شما میخواست یک کسی از برایتان حاضر شود از طهران تا یک نقطه خط آهن بکشد و مابقی پول خودش را صرف کند و خط آهن بکشد و بنم و بقول آقا آنخط را با اجازه بکشد و یک کسی دیگر د وجب آنطرف تر اینخط را مجاز باشد که خط آهن بکشد این نخواهد شد و هیچ سرمایه داری و شرکتی اینکار را نمیکند از برای اطمینان خاطر آقای حاج وکیل الرغایا عرض میکنم که با شرکت امتیاز فروش ذغال سنک را در طهران نمیدهیم تا چه رسد بانحصار و امتیاز کشیدن سیم نقاله راهم در تمام شهر طهران و در تمام نقاط باین شرکت نمیدهیم و ایشان گمان فرمایند که معادن ذغال سنک طهران منحصر باشد بلار شاید در لار بیشتر باشد

ولی از قرر مذاکره آنیکه در کمیسیون شد توضیحاتی که معاون وزارت فوائد عامه میدادند که در تمام اراف طهران ذغال سنک هست و دیگر خود ذغال لار را هم هر کس میخواست بیاورد بطهران بفروشد احدی مانع نیست که او ارزانتر وارد کند لازم نیست که او باسیم نقاله حمل کند خط آهن بکشد ذغال سنک را از لار در کمال ارزانی وارد کند به طهران و ارزان تر بفروشد این دو مسئله است یکی آنکه دولت چرا قبول کرده است کمیسیون چرا رأی داده مجلس چه میخواست بکند این یک شرکت قند سازی است و این کارخانه هم سبیل تحقیق سال اول و دویم و ششم بلکه تا پنج شش سال ضرر خواهد کرد بجهت اینکه در سالی سیصد هزار خروار چغندر خوراک این کارخانه است و این کارخانه امروز اسباب حمل و نقلش کلاماً فراهم نیست و اسباب فلاح و زراعت او فراهم نیست بطور کامل بانتهای زحمت هفتاد هشتاد هزار خروار چغندر اگر بتواند در سال اول و دوم و سیم حاضر کنند و بانده از خوراک کارخانه نمیتواند حاضر بکند پس محققاً سال اول و دویم و سیم این شرکت باید قند را بضرر بفروشد و مخصوصاً وقتیکه بخواهد مقابله بکند با یک رقیب و یک تجارت قوی که ممکنست او برای تقویت تجارت خودش دستی بول بدهد و قندش را رواج بدهد و قیمت قند را در اینجا می کم بکند و این شرکت برای اینکه بتواند در مقابل او بماند و ضرر بدهد اینجا ما گفته ایم برای اینکه بتواند از راه دیگری این ضررها را مقابله بکند باین سیم نقاله هم حق دارد ذغال سنک را بیاورد بطهران بفروشد ولی از خرواری سه تومان و پنجقران بیشتر بفروشد و این حداکثر اوست و اما اینکه فرمودند ما برای اینکه برای کارخانجات دیگر هم داشته باشیم راضی نیستیم که این امتیاز باشد گویا ماده (۷) پیشنهادی کمیسیون را مطالعه نفرمودند مجلس شورای ملی هم آنروز که مخالفت میکرد نظرش بر این بود که شاید بعد از این کارخانجات و ماشین آلات و تأسیسات دیگری شود در این مملکت و برای آنها ذغال سنک خرواری سه تومان و نیم نفع نکند و اسباب این نشود که کارخانجات آنها دائر نشود این است که کمیسیون پیشنهاد کرد برای مصارف کارخانجات و ماشین آلات که امروز هست یا بعد از این دائر بشود باید شرکت متعهد باشد که خرج در درفته یک منفعت ده یک ده دو قنات بکند که آن کارخانه حاج دیگر دائر شود و بنده از آقای حاج وکیل الرغایا سؤال میکنم آیا بر سار راضی میشوید که یک سرمایه ۳۰۰ هزار تومان ننگداریه از لار بطهران بسیم بکشد امروز که ضرر و نفع معلوم نیست پس از آنکه سرمایه خودمان را خرج کردند و سیم را دائر نمودند بنده منتظر زمانم بعد از آنی که نتیجه معلوم شد آنوقت بیایم مقابل سیم شما سیم بطهران بکشم تمام سرمایه هستی شما را مدموم بکنم گویا خود آقای حاج وکیل الرغایا راضی نخواهند شد اگر مجلس بخواهد یک همچو اجازه بجاج وکیل الرغایا بدهد گویا قبول نکنند پس اینکه این شرکت بآبته خودش یک اطمینانی داشته باشد که باین خط مخصوص و باین وسائل

ولی از قرر مذاکره آنیکه در کمیسیون شد توضیحاتی که معاون وزارت فوائد عامه میدادند که در تمام اراف طهران ذغال سنک هست و دیگر خود ذغال لار را هم هر کس میخواست بیاورد بطهران بفروشد احدی مانع نیست که او ارزانتر وارد کند لازم نیست که او باسیم نقاله حمل کند خط آهن بکشد ذغال سنک را از لار در کمال ارزانی وارد کند به طهران و ارزان تر بفروشد این دو مسئله است یکی آنکه دولت چرا قبول کرده است کمیسیون چرا رأی داده مجلس چه میخواست بکند این یک شرکت قند سازی است و این کارخانه هم سبیل تحقیق سال اول و دویم و ششم بلکه تا پنج شش سال ضرر خواهد کرد بجهت اینکه در سالی سیصد هزار خروار چغندر خوراک این کارخانه است و این کارخانه امروز اسباب حمل و نقلش کلاماً فراهم نیست و اسباب فلاح و زراعت او فراهم نیست بطور کامل بانتهای زحمت هفتاد هشتاد هزار خروار چغندر اگر بتواند در سال اول و دوم و سیم حاضر کنند و بانده از خوراک کارخانه نمیتواند حاضر بکند پس محققاً سال اول و دویم و سیم این شرکت باید قند را بضرر بفروشد و مخصوصاً وقتیکه بخواهد مقابله بکند با یک رقیب و یک تجارت قوی که ممکنست او برای تقویت تجارت خودش دستی بول بدهد و قندش را رواج بدهد و قیمت قند را در اینجا می کم بکند و این شرکت برای اینکه بتواند در مقابل او بماند و ضرر بدهد اینجا ما گفته ایم برای اینکه بتواند از راه دیگری این ضررها را مقابله بکند باین سیم نقاله هم حق دارد ذغال سنک را بیاورد بطهران بفروشد ولی از خرواری سه تومان و پنجقران بیشتر بفروشد و این حداکثر اوست و اما اینکه فرمودند ما برای اینکه برای کارخانجات دیگر هم داشته باشیم راضی نیستیم که این امتیاز باشد گویا ماده (۷) پیشنهادی کمیسیون را مطالعه نفرمودند مجلس شورای ملی هم آنروز که مخالفت میکرد نظرش بر این بود که شاید بعد از این کارخانجات و ماشین آلات و تأسیسات دیگری شود در این مملکت و برای آنها ذغال سنک خرواری سه تومان و نیم نفع نکند و اسباب این نشود که کارخانجات آنها دائر نشود این است که کمیسیون پیشنهاد کرد برای مصارف کارخانجات و ماشین آلات که امروز هست یا بعد از این دائر بشود باید شرکت متعهد باشد که خرج در درفته یک منفعت ده یک ده دو قنات بکند که آن کارخانه حاج دیگر دائر شود و بنده از آقای حاج وکیل الرغایا سؤال میکنم آیا بر سار راضی میشوید که یک سرمایه ۳۰۰ هزار تومان ننگداریه از لار بطهران بسیم بکشد امروز که ضرر و نفع معلوم نیست پس از آنکه سرمایه خودمان را خرج کردند و سیم را دائر نمودند بنده منتظر زمانم بعد از آنی که نتیجه معلوم شد آنوقت بیایم مقابل سیم شما سیم بطهران بکشم تمام سرمایه هستی شما را مدموم بکنم گویا خود آقای حاج وکیل الرغایا راضی نخواهند شد اگر مجلس بخواهد یک همچو اجازه بجاج وکیل الرغایا بدهد گویا قبول نکنند پس اینکه این شرکت بآبته خودش یک اطمینانی داشته باشد که باین خط مخصوص و باین وسائل

مخصوص کسی حق ندارد خطی بکشد والا دیگران نمیتوانند خط شوش بکشند و با کاری ذغال وارد طهران همین سیم نقاله را بکشند و ذغال را بطهران بیاورند و ارزان تر بفروشد برای اینکه آتیه این شرکت معلوم شده باشد ناچار است مجلس باو اطمینان بدهد که این خط را بطور امتیاز میدهم بتونه انحصار که دیگری نباید بملوی خط تو خطی بکشد تورا نابود کند .

رئیس - گویا مذاکرات کافی است (گفتند کافی است .

رئیس - چون این ماده متضمن یک مسئله اساسی بوده از این جهت آنقدر مذاکره شده حالا رأی میگیریم بماده اول آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

رئیس - با کثرت تصویب شد ماده ۳ هم که مذاکرات او بعمل آمده است حالاً رأی میگیریم آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

رئیس - با کثرت تصویب شد ماده هفتم الحاق کمیسیون قرائت میشود .

(بشارت ذیل قرائت شد) .

ماده ۷ - شرکت متعهد میشود که هر مقدار ذغال سنگی که از برای مصارف سوخت کارخانجات و ماشین آلات که از روی موازین علمی از طرف دولت معین و تشخیص داده شود بطور استثناء خرج در درفته ب علاوه و ده فایده بفروش برساند .

حاج آقا - این عبارت ناقص است یک کلمه (لازم باشد) باید نوشته شود .

دکتر اسمعیل خان - این لازم شود منافاتی ندارد ولی عبارت هم صحیح است .

افتخار الواعظین - یک دوسه عبارت افتاده است اجازه میفرمائید که عرض کنم .

رئیس - بخوانید (بشارت ذیل اصلاح را خوانده و بماده اضافه شد) کارخانجات و ماشین آلات (که حالیه موجود یاد آتیه دایر بشود در طهران و اطراف طهران .

محمد هاشم میرزا - بنده دورا زیاد میدانم بجهت اینکه باترتیبی که شد و توضیحاتی که آقای مخبر دادند و تأکید کردند که این مسئله تجاری خواهد بود نه چیز دیگر و تمام آنچه که منظور ما بوده همه مشترک الورد است برای این کارخانه و کارخانه دیگری که دائر میشود لهذا بنده در یک را بیشتر اجازه نمیدهیم این است که دیکر را پیشنهاد کرد عرض کرده .

افتخار الواعظین - حضرت والا اگر در نظر داشته باشد که برای این شرکت بعضی مخارج های دیگر هم هست و قرار داده است که تمام این ماشین آلات و سیم و اتانیه را بدولت واگذار کند و همه ساله هم باید از بابت استهلاك این سرمایه یک قدری شرکت منظور بدارد و دهده هم یک چیزی است که چندان زیاد نخواهد شد و امروز هم با حضور معاون که حساب کردند دیدیم که ده دو چندان برای کمپانی چیز زیادی نخواهد بود .

آقا - بر زانجا بنده بهمان دلیلی که آقای

ولی از قرر مذاکره آنیکه در کمیسیون شد توضیحاتی که معاون وزارت فوائد عامه میدادند که در تمام اراف طهران ذغال سنک هست و دیگر خود ذغال لار را هم هر کس میخواست بیاورد بطهران بفروشد احدی مانع نیست که او ارزانتر وارد کند لازم نیست که او باسیم نقاله حمل کند خط آهن بکشد ذغال سنک را از لار در کمال ارزانی وارد کند به طهران و ارزان تر بفروشد این دو مسئله است یکی آنکه دولت چرا قبول کرده است کمیسیون چرا رأی داده مجلس چه میخواست بکند این یک شرکت قند سازی است و این کارخانه هم سبیل تحقیق سال اول و دویم و ششم بلکه تا پنج شش سال ضرر خواهد کرد بجهت اینکه در سالی سیصد هزار خروار چغندر خوراک این کارخانه است و این کارخانه امروز اسباب حمل و نقلش کلاماً فراهم نیست و اسباب فلاح و زراعت او فراهم نیست بطور کامل بانتهای زحمت هفتاد هشتاد هزار خروار چغندر اگر بتواند در سال اول و دوم و سیم حاضر کنند و بانده از خوراک کارخانه نمیتواند حاضر بکند پس محققاً سال اول و دویم و سیم این شرکت باید قند را بضرر بفروشد و مخصوصاً وقتیکه بخواهد مقابله بکند با یک رقیب و یک تجارت قوی که ممکنست او برای تقویت تجارت خودش دستی بول بدهد و قندش را رواج بدهد و قیمت قند را در اینجا می کم بکند و این شرکت برای اینکه بتواند در مقابل او بماند و ضرر بدهد اینجا ما گفته ایم برای اینکه بتواند از راه دیگری این ضررها را مقابله بکند باین سیم نقاله هم حق دارد ذغال سنک را بیاورد بطهران بفروشد ولی از خرواری سه تومان و پنجقران بیشتر بفروشد و این حداکثر اوست و اما اینکه فرمودند ما برای اینکه برای کارخانجات دیگر هم داشته باشیم راضی نیستیم که این امتیاز باشد گویا ماده (۷) پیشنهادی کمیسیون را مطالعه نفرمودند مجلس شورای ملی هم آنروز که مخالفت میکرد نظرش بر این بود که شاید بعد از این کارخانجات و ماشین آلات و تأسیسات دیگری شود در این مملکت و برای آنها ذغال سنک خرواری سه تومان و نیم نفع نکند و اسباب این نشود که کارخانجات آنها دائر نشود این است که کمیسیون پیشنهاد کرد برای مصارف کارخانجات و ماشین آلات که امروز هست یا بعد از این دائر بشود باید شرکت متعهد باشد که خرج در درفته یک منفعت ده یک ده دو قنات بکند که آن کارخانه حاج دیگر دائر شود و بنده از آقای حاج وکیل الرغایا سؤال میکنم آیا بر سار راضی میشوید که یک سرمایه ۳۰۰ هزار تومان ننگداریه از لار بطهران بسیم بکشد امروز که ضرر و نفع معلوم نیست پس از آنکه سرمایه خودمان را خرج کردند و سیم را دائر نمودند بنده منتظر زمانم بعد از آنی که نتیجه معلوم شد آنوقت بیایم مقابل سیم شما سیم بطهران بکشم تمام سرمایه هستی شما را مدموم بکنم گویا خود آقای حاج وکیل الرغایا راضی نخواهند شد اگر مجلس بخواهد یک همچو اجازه بجاج وکیل الرغایا بدهد گویا قبول نکنند پس اینکه این شرکت بآبته خودش یک اطمینانی داشته باشد که باین خط مخصوص و باین وسائل

ماده ۷ - شرکت متعهد میشود که هر مقدار ذغال سنگی را که از برای مصارف سوخت کارخانجات که در طهران و اطراف طهران فلا دایر است یا بعد از این دایر خواهد شد و از روی موازین علمی از طرف دولت مبین و تشخیص داده میشود بطور اشتناهمند از وضع سهم استهلاك سرمایه و سایر مضار علاوه ده يك فايده خالص بفرش میرساند.

رئیس - آقا یانیکه این ماده را با همین اصلاح تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند.)

رئیس - با اکثریت تصویب شد ماده ۱۲

ماده ۱۲ عبارت ذیل قرائت شد .
شرکت مزبور حق ندارد که این امتیاز را جزاً یا کلاً بنحوی از انحاء بنعمه خارجه انتقال دهد مگر با اجازه مجلس شورای ملی و نیز شرکت حق ندارد که اتناح خارجه را در این امتیاز شرکت بدهد مگر با اجازه دولت و با تعهد قبول شرایط نظامنامه داخلی شرکت که با مضای دولت خواهد رسید.

حاج شیخ الرئیس - مینظور که مذاکره شد البته اصل امتیاز را این شرکت نمیتواند انتقال بدهد مگر با اجازه مجلس شورای ملی ولی چون ترتیب این شرکت را همه میدانند که سهامی است یعنی اوراقی چاپ میکنند و هر کس با شرایطی که مقرر است میتواند بخرد و صاحب آن سهام بشود و گاهی میشود انتقالات فوری واقع بشود بیکی از اتباع خارجه مثل اینکه کسی بیاید و وارثش بنعمه خارجه باشد و ما هم نمیتوانیم او را شرعاً استثناء کنیم و بگوئیم که کسی از مال خودش محروم باشد یا اینکه اولاد و هیئت بی بهره باشند و اگر مجلس این را قبول میکند که معلوم بشود خوبست آقای مخیر توضیح بفرمایند که این فرض هم داخل این ماده است یا اینکه تخفیفی و تخصیصی دارد.

معاون وزارت معارف - در این قسمتی که آقای حاج شیخ الرئیس فرمودند بخصوص در نظامنامه داخلی شرکت قید شده است رجوع این قرارداد را می کند است البته هر کس که تعهد این قرارداد را می کند از روی همان قرارداد معمول می شود ولی این راجع به نظامنامه داخلی است و قیدش در این جا لازم نیست.

معین الرعایا - بنده تصور میکنم که آن ماده که ابتداء از کمیسیون نوشته شده بود بهتر بود اینجا بنویسد شرکت نباید این امتیاز را جزاً یا کلاً بنحوی از انحاء بنعمه خارجه انتقال بدهد باید فرق آن جمله اول را با جمله آخر گذاشت مقصود کمیسیون این است که میگوی تمام شرکاء بکوقت اگر بخواهند تمام این شرکت را یا جزء از این را بخارجه و اگذار بنمایند نمیتوانند مگر با اجازه مجلس شورای ملی ولی بکوقت میشود که یکی از اینها چرا بنعمه خارجه میگرد در اینصورت تصور میکنم که آن صحیح نباشد که با اجازه مجلس باشد بلکه همانطوری که در کمیسیون نوشتند که با اجازه دولت باشد بهتر است اینک خوانده شد مقصود این بوده است که چه جزء اول و چه جزء آخر تمام باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد و این گویا توضیح نباشد.

افتخار الواعظین - گویا وقتیکه ماده قرائت شد آقای معین الرعایا توجه فرمودند نوشتیم

انتقال و اجازه و وثیقه و رهن با اجازه مجلس شورای ملی است ولی سهام را اگر بخواهند با اجازه دولت است و با اجازه مجلس نیست يك مرتبه دیگر خوانده شود (مجدداً ماده ۱۲ قرائت شد).

رئیس - گویا مذاکرات در این ماده کافی است (گفته شد کافی است).

رئیس - پیشنهادی است قرائت و رأی گرفته می شود . (پیشنهاد آقای حاج آقا بضمون ذیل خوانده شد.)

بنده پیشنهاد میکنم که این جمله در آخر ماده پیشنهادی آقای لسان العکماء افزوده شود و رأی گرفته شود .
(تهمه قبول شرایط نظامنامه داخلی شرکت صکه با مضای دولت خواهد رسید).

حاج آقا - بنده این عبارتی که در این ماده که از طرف کمیسیون نوشته شده است کافی نمیدانم و آن اصلاحی که از طرف آقای لسان العکماء شد چون آن پیشنهاد را رأی گرفتند و تکلیفش معلوم نشد و بعضی از آقایان بلا حظه آن جزء آخر را ندادند و اگر آن جزء بود یقیناً رأی میدادند از اینجه بنده آن جزء را اضافه کردم و چون بلا تکلیف ماند اینستکه باید دوباره در همان رأی گرفت .

افتخار الواعظین - این پیشنهاد آقای لسان العکماء در کمیسیون تائیداً قرائت شد و کمیسیون پذیرفت بجهت آنکه گفتند شاید دو نفر سه نفر از مردمان عالم را لازم بدانند برای پیشرفت امور خودش چندتا از سهام شرکت را بآنها بفرشد برای اینکه از علم آنها استفاده کنند نمیتواند که برای این مسئله باید از مجلس اجازه بخواهد و علاوه بر این مجلس در عملیات وارد نیست و هیئت دولت وارد در عملیات يك وقتی ممکن است مجلس شورای ملی شرکت کسی را تصویب کنند و مضر بحال ملک باشد و برعکس هیئت دولت بعضی اوقات ممکن است که شرکت بعضی را تصویب بکند که منفعت داشته باشد پس بنظر دولت واگذار میکنند که داخل در عملیات است و ضرر و نفع را بهتر میدانند و دولت شرکت هر یک از اتباع خارجه را اگر تصویب کرد میتواند سهام بفرشد والا نمی تواند بفرشد .

رئیس - اصلاح آقای لسان العکماء و آقای حاج آقا خوانده میشود و رأی میکنیم .
(مجدداً اصلاح آقای حاج آقا قرائت شد)

رئیس - رأی میکنیم بقبول توجه بودن این اصلاح آقای حاج آقا - آقا یانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - رد شد - حالا ماده ۱۲ با اصلاح خوانده میشود و رأی میکنیم .
(ماده ۱۲ مجدداً خوانده شد)

رئیس - آقا یانیکه ماده ۱۲ را به همین ترتیب که خوانده شد تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد ماده (۱۵) (ماده ۱۵ عبارت ذیل قرائت شد)
ماده ۱۵ - هرگاه شرکت مزبور از تاریخ انتقضاء این امتیازنامه تا مدت سه سال بدون مقرر موجه و موانع فوق العاده که وزارت فوائد عامه صحت

آزاد تصدیق نماید سیم نقله و کارخانه قند سازی را دائر نمایند این امتیاز از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .

رئیس - مخالفی نیست .
حاج امام جمعه - تصور میکنم که این معنی هیئت قدر دلات دارد که اگر در این سه سال دائر نکرد این راه و این کارخانه را حق نداشته باشد امتیاز را ببرد اما اگر دائر کرد و بعد کارخانه را از کار انداخت آنرا دلات نمیکند باید طوری نوشت که هر دو را دلات کند .

رئیس - يك ماده العاقبه نوشته شده است راجع باین مطلب است برای اطلاع خواننده میشود (ماده ۱۶ العاقبه عبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۶ - هرگاه در ظرف مدت این امتیاز شرکت مزبور از دائر داشتن کارخانه قند سازی منصرف شود و یا کارخانه را بکلی تعطیل نماید این امتیاز صورت اجازه را خواهد داشت .

آقا سید حسن مدرس - یا تمام سهام بخارجه انتقال نماید .
رئیس - پیشنهاد بنمائید .

افتخار الواعظین - گویا آقای مدرس در ماده قبل توجه فرمودند که در ماده قبل گفتیم که شرکت حق ندارد این امتیاز را جزاً او کلاً بفرمندی از انحاء بنعمه خارجه رهن یا وثیقه یا انتقال نباشد و شامل فرمایش حضرت آقا است

رئیس یکمرتبه دیگر ماده (۱۵) خوانده میشود و رأی میکنیم (مجدداً قرائت شد)

رئیس رأی میکنیم بجهت تصویب مینمایند قیام نمایند .
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۶ العاقبه خوانده میشود (مجدداً قرائت شد)

معزز الملک - بنده معنی این ماده را درست نفهمیدم اولاً امتیاز معنیش انحصار نیست و بنویسند اگر فلان کاروا نکنند این امتیاز تبدیل با اجازه خواهد شد معنی این را درست نمی فهمم اگر امتیاز است و بمعنی (کنسیون) که انحصار نیست و اگر غیر مقصود (مونوپل) و انحصار است که خوب است بفرمایند معلوم بشود والا این عبارت را بنظور صحیح نیست .

افتخار الواعظین - گویا در وقتی که در این ماده ها گفتگو میشد آقای معزز الملک تشریف نداشتند عرض کردم در این خط بخصوص امتیاز و انحصار است که در این خط کسی دیگر نمیتواند سیم بکشد ولی در سایر خطوط طهران برای قند سازی یا حمل و فروش ذغال سنگ انحصار نیست و مراد از این ماده هم این است که بعد از دائر کردن اگر کارخانه قند سازی منصرف بشود از این کار و تعطیل کردند آنوقت دیگری حق ندارد صکه معاذ این سیم بیاید سیم بکشد .

حاج آقا بنده این ماده العاقبه را هیچ برای این مقصودی که داشتیم کافی نمیدانم بواسطه اینکه بنده اگر نظر بساعدت کارخانه نبود اجازه را با این مساعدت ها که شده است ابتدا تصویب نمیکردم بلکه نظر ما فقط بهمان کارخانه بود و اینطوری که در این ماده نوشته شده است این است که اگر این کارخانه در ظرف

این مدت تعطیل شد این امتیاز را این ترتیبی که اینجا نوشته شده است بدل با اجازه میشود یعنی آنوقت کسی دیگر یا شرکت دیگری حق ندارد بیاید بپهلوی این سیم يك خطی تأسیس بکند ولی تمام این امتیازاتی که برای این کارخانه و شرکت است از قیمت ذغال و معاقت از تأدیبه حقوق گمرکی و چیزهای دیگر که مساعدت با او کرده ایم برای بالطنبیه هست و آن تخصیصات را دارد و حال اینکه ما میخواهیم باقی باشد از این جهت بنده پیشنهاد کردم که نوشته شود در اینصورت این امتیاز از درجه اعتبار ساقط است و آنوقت اگر دولت بخواهد يك ترتیب دیگری با آن شرکت میدهد و بدل میشود با اجازه نه اینکه از حالا این ترتیب را معین کرده باشیم .

حاج امام جمعه - بنده هم همین ها را میخواستم بگویم که گفتند .

بهجت - فرض بفرمائید که مانی برای این کارخانه پیدا شد و کارخانه بسته شد در اینصورت ما که نباید این سیمها را پاره پاره بکنیم و دور بریزیم و معنی این که این امتیاز ساقط باشد این است که ما این سیمها را پاره بکنیم و دور بریزیم این دستگاه را بهم بزنند بدیهی است که این در چنین صورتی اجازه خواهد بود و مردم اگر از راه دیگر میتوانند ذغال را بیآورند ارزان بفرشند که میتواند بیآورند والا این چه ضرری برای دولت خواهد داشت که يك سیمی در بیابان برای حمل و نقل ذغال کشیده باشد بدیهی است وقتی ماین رهایت را با او می کنیم که کارخانه قند سازی را دائر داشته باشد والا اگر آنرا از کار انداخت دیگر آن انحصار بر داشته میشود و اجازه میشود آنوقت اگر سیم کشی فائده دارد که این کارخانه بسته شود و بروند سیم را جمع کنند چه فائده بشا خواهد رسید که این امتیاز را باطل کنیم

معزز الملک - اینجا دوسه مطلب است اولاً اساساً بنده نمیدانم حمل ذغال سنگ چه ربطی دارد به کارخانه قند سازی ولی حالا که میخواهید مربوط بکنید این مسئله را به هم دیگر اولاً میگویند که تمام این مساعدتها را کرده ایم برای سیم کشی و از برای حمل ذغال که کارخانه قند دائر شود خوب است اگر مقصودشان این است باید ماده را طوری نوشت که آن مقصود حاصل شود یکی از شرایط بر قرائت امتیاز همان شرایط قند سازی را قرار بدیم که اگر تا سه سال دائر نشود این امتیاز بکلی از درجه اعتبار ساقط است والا اگر بگوئیم این امتیاز بعد از سه سال تبدیل با اجازه خواهد شد ممکن است مورد اشکال و مباحثه شود پس باید این ماده را طوری بنویسند که مربوط بهم باشد که اگر این سه سال این کارخانه را نسازند این از درجه اعتبار ساقط است نه اینکه بنویسند در ظرف سه سال اگر کارخانه قند تأسیس نشد این امتیاز مبدل با اجازه خواهد شد .

معاون وزارت معارف - اینجا در مسئله امتیاز و انحصار بنده می بینم که خیلی تردید است خوب است دو کلمه عرض کنیم که بلکه این تردیدات برداشته شود امتیاز یعنی (کنسیون) انحصار یعنی (مونوپل) و البته این امتیاز که اینجا داده میشود (مونوپل) نیست و الا هیچکس جز این

کمیانی حق نداشت در این ملک يك خط دیگر بسازد ولیکن این امتیاز در حد خودش معین در همان نفعه که با او داده شده البته امتیاز انحصاری است و کسی دیگر حق ندارد و نمیتواند سیم بکشد ولی در جاهای دیگر و از برای اطراف طهران و برای ایران انحصار نیست و کسان دیگر میتوانند که در جاهای دیگر یا از اطراف طهران از خطوط دیگری که راه هست سیم بکشند و دیگر این مساعدتها که میشود برای این شرکت و این امتیاز که دولت با او میدهد برای این است که کمک و مساعدت غیر مستقیمی باین کارخانه شده باشد البته هر دولتی که میخواهد این تأسیسات بشود باید کمک بکند در این جور اقدامات تجاری که زیاد بشود و رواج بشود و خیلی هم صحیح است و بنظر هم خیلی خوب بیاید که این يك مساعدتی بشود از طرف دولت و البته صرفه هم در او هست و يك مساعدت غیر مستقیمی هم شده است حالا چیزی که هست اینست که آقایان میل دارند معلوم بکنند که اگر شرکت قند سازی دائر نشد یا این کارخانه خدای نکرده از میان رفت آنوقت حال این چه خواهد شد آنوقت میشود گفت که آن حال انحصاری که در خط خودش دارد با تعطیل این کارخانه مرتفع میشود و گمان میکنم که ایرادی نداشت باشد و البته در این صورت هم آن شرایط سخت هم تا یک اندازه از میان خواهد رفت ولی مادامی که این کارخانه هست البته این امتیاز در این استناد برای شرکت هست و معطل تردید نیست .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد دو فقره اصلاح است قرائت میشود .
(پیشنهاد از طرف آقای حاج آقا بضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در آخر این ماده بعوض جمله (این امتیاز بدل با اجازه میشود نوشته شود این امتیاز از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .

رئیس - اگر توضیحی دارید بفرمائید .
حاج آقا بنده تعجب میکنم که آقایان بفرمایند که بکلی چیزی مساعدت نشده و یا معنی اینکه این امتیاز از درجه اعتبار ساقط است این باشد که بکلی این سیمها رایانه کنیم و برداریم شما ملاحظه می کنید که این موادی که ما تصویب کرده ایم و نوشته ایم مثلا در این مواد به بینند چه نوشته ایم مساعدت کرده ایم یا نکرده ایم تمام اشیاء سیم کشی و استخراج ذغال که بیآورند از گمرک معافند و همچنین اراضی که برای پایهای چرخ لازم است قرار بدهند و چه اراضی که بخواهند جای اعزاء را درست کنند آنها را هم باید دولت واگذار کند علاوه بر این از عایدات حمل مسافری که وارد میکنند نوشته ایم فقط صدی ده از خالصش شرکت بدهد تمام این مساعدت ها برای ترتیب کارخانه است و اگر کارخانه خوابیده ضرر دارد که صدی سی و صدی بیست صدی پنجاه برای دولت فایده داشته باشد

از حالا که بنویسیم اینطور مساعدتها شود حتی برای دولت قرار بدیم از اینجهت بنده پیشنهاد کردم که آن لفظ بدل با اجازه میشود بر داشته شود و نوشته شود این امتیاز بکلی از درجه اعتبار ساقط است و آنوقت کمیانی با دولت يك تکلیفی دارد که دولت منافع

خودش را ملاحظه میکند و صاحب سیم هم ملاحظه منافع خودش را میکند که هم ملاحظه منافع دولت شده باشد شاید هم به همین ترتیب اجازه شود و بنده عرض میکنم که مقدرات آتی را باید بآن چیزی که حالا در نظر داریم رأی بدیم از این جهت باید نوشته شود این امتیاز بکلی از درجه اعتبار ساقط است بهتر است .

رئیس - کمیسیون قبول ندارد .
افتخار الواعظین - کمیسیون فرقی بین اینست که این صورت اجازه پیدا خواهد کرد یا از درجه اعتبار ساقط است نمی تواند بگذارد بقبول نمی کند .

رئیس - رأی میکنیم در مقابل توجه بودن اصلاح حاج آقا آقا یانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد اصلاح آقا میرزا ابراهیم خان خوانده میشود (اصلاح مزبور بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۶ - هرگاه در ظرف این امتیاز شرکت مزبور از دائر داشتن کارخانه قند سازی منصرف شود و یا کارخانه را بکلی تعطیل نماید این امتیاز صورت اجازه را خواهد داشت در آن تاریخ این امتیاز باطل و این تخصیصات انو گردیده شرکت سیم نقله باید قرار داد جدیدی در قیمت ذغال با دولت بدهد

رئیس - رأی میکنیم بجهت تصویب شد - ماده العاقبه از طرف آقای ادیب التجار خوانده میشود (ماده العاقبه بضمون ذیل خوانده شد)

خودش را ملاحظه میکند و صاحب سیم هم ملاحظه منافع خودش را میکند که هم ملاحظه منافع دولت شده باشد شاید هم به همین ترتیب اجازه شود و بنده عرض میکنم که مقدرات آتی را باید بآن چیزی که حالا در نظر داریم رأی بدیم از این جهت باید نوشته شود این امتیاز بکلی از درجه اعتبار ساقط است بهتر است .

رئیس - کمیسیون قبول ندارد .
افتخار الواعظین - کمیسیون فرقی بین اینست که این صورت اجازه پیدا خواهد کرد یا از درجه اعتبار ساقط است نمی تواند بگذارد بقبول نمی کند .

رئیس - رأی میکنیم در مقابل توجه بودن اصلاح حاج آقا آقا یانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد اصلاح آقا میرزا ابراهیم خان خوانده میشود (اصلاح مزبور بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۶ - هرگاه در ظرف این امتیاز شرکت مزبور از دائر داشتن کارخانه قند سازی منصرف شود و یا کارخانه را بکلی تعطیل نماید باید قرارداد جدیدی در قیمت ذغال یادولت بدهد .

رئیس - معین قبول دارید این را .
افتخار الواعظین - این را بنده قبول میکنم صحیح است اگر چنانچه بکلی بخواهد کارخانه را تعطیل نمایند و منصرف شوند در قیمت ذغال که سه تومان و پنجاهزار بفرشد یا قسمت دیگر باید قرارداد جدیدی بدهد بنده این را قبول میکنم بعداً صورت اجازه پیدا خواهد کرد این عبارت نوشته شود .

رئیس - مجدداً پیشنهاد آقا میرزا ابراهیم خان خوانده میشود . (مجدداً قرائت شد)

دکتر سعید الاطباء - اولاً گمان نمیکند که اینطور باشد قیمت ذغال که نوشته شده صحیح است ولی مخصوصاً باید نوشته شود که این امتیاز صورت اجازه پیدا خواهد کرد کلمه اجازه باید در ضمن نوشته شود .

افتخار الواعظین - بعد از آن کلمه در پیشنهاد هم نوشته شود این امتیاز صورت اجازه پیدا خواهد کرد و بعد از آنهم دولت قرار مجدد در خصوص ذغال خواهد داد .

رئیس - پیشنهاد آقا میرزا ابراهیم خان با اصلاح خوانده میشود .
(پیشنهاد مزبور بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۶ - هرگاه در ظرف این امتیاز شرکت مزبور از دائر داشتن کارخانه قند سازی منصرف شود و یا کارخانه را بکلی تعطیل نماید این امتیاز صورت اجازه را خواهد داشت در آن تاریخ این امتیاز باطل و این تخصیصات انو گردیده شرکت سیم نقله باید قرار داد جدیدی در قیمت ذغال با دولت بدهد

رئیس - رأی میکنیم بجهت تصویب شد - ماده العاقبه از طرف آقای ادیب التجار خوانده میشود (ماده العاقبه بضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۱۵ - هرگاه شرکت مزبور از تاریخ انتقضاء این امتیازنامه تا مدت سه سال بدون مقرر موجه و موانع فوق العاده که وزارت فوائد عامه صحت

انتقال و اجازه و وثیقه و رهن با اجازه مجلس شورای ملی است ولی سهام را اگر بخواهند با اجازه دولت است و با اجازه مجلس نیست يك مرتبه دیگر خوانده شود (مجدداً ماده ۱۲ قرائت شد).

رئیس - گویا مذاکرات در این ماده کافی است (گفته شد کافی است).

رئیس - پیشنهادی است قرائت و رأی گرفته می شود . (پیشنهاد آقای حاج آقا بضمون ذیل خوانده شد.)

بنده پیشنهاد میکنم که این جمله در آخر ماده پیشنهادی آقای لسان العکماء افزوده شود و رأی گرفته شود .
(تهمه قبول شرایط نظامنامه داخلی شرکت صکه با مضای دولت خواهد رسید).

حاج آقا - بنده این عبارتی که در این ماده که از طرف کمیسیون نوشته شده است کافی نمیدانم و آن اصلاحی که از طرف آقای لسان العکماء شد چون آن پیشنهاد را رأی گرفتند و تکلیفش معلوم نشد و بعضی از آقایان بلا حظه آن جزء آخر را ندادند و اگر آن جزء بود یقیناً رأی میدادند از اینجهت بنده آن جزء را اضافه کردم و چون بلا تکلیف ماند اینستکه باید دوباره در همان رأی گرفت .

بنده این ماده را بعنوان ماده الحاقیه تقدیم می کنم .
 ماده الحاقیه - آنچه ذفال در مدت امتیاز در ظرف سال برای ادارات دولتی و مدارس دولتی و مریضانهای دولت لازم میشود شرکت باید از فرار صدی پنجاه از قیمت فروش معمولی تخفیف بدهد
ادیب التجار - يك پيشنهادی دارم به آقای مخبر کمیسیون چون آقای رئیس فرموده بودند که باید بانها داده شود یکصدری هم اوقاتشان تلخ بود از زیادی پیشنهاد هاو حق هم داشتند ولی بنده پیشنهاد ها یم را از جلسه قبل حاضر کرده بودم و مورد بی مرحمتی حضرت رئیس شده و با آتش دیگران سوختن و این پیشنهادی را که کردم این را تبدیل میکنم به آن پیشنهادی که نزد رئیس کمیسیون است و آن این است که آنچه ذفال بجهت دوایر دولتی و عموم مریضانها و عموم مدارس دریاخت لازم است باید بقیمت سوخت کارخانجات که در ماده هفتم قید شده است بهمان قیمت قبلی بکنند گمان میکنم که خود اداره شرکت هم در این خصوص ضدیدت نفرمایند و آقای مخبر کمیسیون هم از آن جایکه میلت با سودگی مدارس و ترقی حال معیشت دارالمراضها را طرف توجه قرار خواهند داد بخصوص اطفال طهران قبول میکنند این پیشنهاد را که محتاج برای مجلس نباشد و اگر چه مجلس هم رأی خواهند داد و امیدوارم موافقت بکنند و اگر بگویند که برای شرکت اسباب يك تحمیلی واق میشود توضیحی دارم و عرض میکنم که احتمال دارد سال اول و دوم تا صد هزار خروار ذفال وارد طهران بشود و چون در عمل تجارت کمتر از سایرین نیست عرض میکنم بجهت شرکت اینقدر همانقدر میبکنند که این مسراعات ها را نکنند زیرا امروز توضیح داد که میاید بیایند و این سیم نقاله که کشیده میشود احتمال دارد که سهولت پیدا کند و صد هزار خروار کمتر از اینها نشود که عرض کردم و اینها حمل بر افران نشود برای توسیع ادارات دولتی و ترفیه حال ادارات تا چهار سال دیگر که گمان میکنم که هم جمعیت اینجا زیاد شود و گمان می کنم که مداخل کمپانی هم از صد هزاره زیاد شود و ما می خواهیم زیاد ترقی بکنند کمپانی و عرض کردم بصرف ادارات دولتی علیه و مدارس و مریضانها برسد و گمان میکنم که کمیسیون این را قبول بکنند و امیدوارم مضایقه نفرمایند
رئیس - کمیسیون چه میگوید
افتخار الواعظین - بدبختانه وقتی در کمیسیون صحبت کردم کمیسیون پیشنهاد آقای ادیب التجار را قبول نکردند بجهت اینکه چیزهاییکه راجع بامور غیریه باشد شرکت نخواهد از آن بفرود این را بخود شرکت و ما میگداریم و البته خودش اینکار را خواهند کرد
رئیس - رأی می گیریم در قابل توجه بودن این ماده الحاقیه آقای ادیب التجار آقایی که قابل توجه می دانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)
رئیس - قابل توجه نشد - شور در این مواد ختم شد - حالا مذاکره در کلیات است
حاج سید ابراهیم - در ماده دو که گذشت

قرار دادیم که شرکتی تواند سیم را بخار و ورامین برای حمل چندر امتداد بدهد و نوشتم از اوشان که هر يك تا تهران خواهد کشید و از کهریزك تا ورامین هم کشیده خواهد شد بعد از آن ماده در ماده هفت که تصویب حمل اجناس و مسافرین هم باو داده شد یعنی حق داشته باشد اجناس و مسافرین را حمل و نقل بکنند بتوسط این سیم و البته حمل و نقل اینها کرایه از کمتر از کرایه معمولی خواهد بود و فایده فوق العاده است برای تجارت پس عقیده بنده اینستکه يك ترتیبی هم برای میزان کرایه اجناس مسافرین هم باید داد یعنی همان طوریکه در مورد حمل ذفال درده سال اول گفتیم که ۳ تومان و پنج هزار بفرودش و برای او کمتر تمام میشود اینجا هم بنده پیشنهادی کرده ام که راجع ب ماده (۷) بود که میزان کرایه حمل و نقل ذفال و مسافرین معین بشود و بقیستی که مکاری می گیرد نکیرد کمتر بگیرد .
ارباب میخسرو - یقین است جواب مطلب آقای حاج سید ابراهیم را مخبر محترم خواهند داد آنچه بنده خواستم عرض کنم این است که چون بنده یا خوشبختانه یا متأسفانه داخل در این شرکت بودم از جواب دادن بعضی اعتراضات معذور بودم ولی حالیه در کلیات معض رفع تشویش اذهان که مبدا تصور کنند يك هیئتی آمده اند حقوق ملت را پامال و منافع عمومی را منحصر بخود نمایند عرض میکنم این هیئتی که تشکیل یافته است نظر و قصد اساسی آن رفع حوائج ملت و خدمت بملکت است و بهمان نظر بنده در این از طرف این شرکت متعهدمیشوم که بعد از آماده شدن کار این شرکت اوراق سهام جزء بیرون کند تا هر يك از افراد ملت که بخواهند شرکت نمایند داخل شوند و سود و زیان آن راجع بخود افراد ملت باشد باز تکرار میکنم که قصد و نظر این شرکت حفظ منافع این مملکت و این ملت است هیچ قصدی برای خالی کردن کسب مردم نداشته و ندارد در موقع آماده شدن کار از افراد ملت هر کس بخواهد خود را سهیم این شرکت نماید شرکاء حالیه مضایقه نموده ببن بی پذیرند و امیدوارم در مقابل این مساعدت مجلس مقدس و دولت شرکاء بتوانند رضایت خاطر عموم را فراهم آورند
افتخار الواعظین - در ماده دوم آقای حاج سید ابراهیم گویا از خاطرشان رفته است نوشته شده بود که در موقع لزوم اگر چنانچه شرکت لازم بداند يك دو عمل را اسم برده بود که چندین را حمل نماید دیگر نوشته بود که حمل اجناس با مسافر هم بکنند و بازم عرض می کنم که امتداد سیم با اینجا ما فقط از برای حمل چندین خواهد بود و مسافر و بار حمل نخواهد کرد (گفته شد رأی بگیرد)
رئیس - پس مخالفی نیست
آقامیرزا ابراهیم قهی - بنده از آقای مخبر توضیح میخواهم ذفال سنگی که در ادارات دولتی و فوخرخانه مصرف میشود حکم ماده ۷ را دارد یا اینکه پیشنهادی بکنم
افتخار الواعظین - مصارف ادارات دولتی همان در پیشنهاد آقای ادیب التجار بود که رد شد .

رئیس - رأی میگیریم باین لایحه که مشتمل بر ۱۶ ماده است آقاییکه تصویب خواهند کرد ورقه سفید و آقایی که تصویب نمی کنند ورقه آبی خواهند داد .
 (اوراق رأی اخذ و آقای حاج میرزا رضا خان بقرار ذیل شماره نمودند) ورقه سفید (۶۶) ورقه آبی (۲)
رئیس - با اکثریت (۶۶) رأی رایبورت کمیسیون فوائد عامه تصویب شد
رئیس - رایبورت کمیسیون بودجه راجع بطرح آقای ادیب التجار قرائت میشود (بیابرت ذیل قرائت شد)
 طرح آقای ادیب التجار شامل دو ماده که یک کمیسیون بودجه رجوع شده بود در کمیسیون مطرح مذاکره گردید يك جلسه نیز هیئت وزراء عظام حضور داشتند در خصوص قطع حقوق اشخاصیکه برضد مشروطه عمل قیام یا اقدام نموده اند مطابق ماده ذیل تصویب گردید در خصوص ماده دوم راجع سلب شئونات و اینکه بخدمات دولتی پذیرفته نشوند چون هیئت وزراء عظام بعضی نظریات داشتند قرار شد ماده اول تقدیم مجلس شده و ماده دوم بعد از ملاحظات لازمه تا بنای پیشنهاد مجلس بشود
 ماده اول - اشخاصیکه در تهران و سایر ولایات بعد از عفو عمومی ۱۵ شعبان ۱۳۲۲ بضدیدت مشروطه عمل بعنوانین مختلفه قیام یا اقدام کرده اند حقوق دیوانی آنها نقداً و جنساً موقوف است
رئیس - مذاکره در شور اول این ماده است
ادیب التجار - بنده بخاطر دارم که آن روزی که در این خصوص مذاکره میشد تقاضای فوریت این مسئله شد و قریب ۳۰ نفر از نمایندگان هم آن تقاضا را امضاء نموده بودند و مجدداً بنده تقاضا میکنم که فوریت شور بشود
رئیس - پس اول رأی می گیریم ب فوریت این طرح آقای ادیب التجار آقاییکه فوریت را تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)
رئیس با اکثریت تصویب شد
حاج آقا - بنده این دو ماده را که از طرف آقای ادیب التجار پیشنهاد شده اساساً خیلی لازم می دانم بواسطه اینکه در حقیقت يك قانون مجازاتی است نوشته شده بجهت اشخاصی که برخلاف بلیتک مملکت و دولت اقدام کرده و تمام بدبختی ها را هم از این میدانم که تا حالا مجازاتی در میان نبوده است که بواسطه اجرای آن جلوگیری از حرکات آنها شده باشد ولی میخواهم عرض بکنم که يك مطلبی که عنوان میشود ابدأ نباید در مقام قانون گذاری انسان بظلمات آن ناطقی را که راجع ب يك قانون است فراموش کند و بهمان عنوان خطابه رأی بدهد آتهم در يك چیزی که ممکن است در دو روز دیگر اسباب ندامت و پشیمانی بشود و در موقع اجرا انسان را دچار اشکال و معذور نماید چه با موادی که در يك مجلس در تحت مشاوره می آید در اول نظر خوب باشد ولی برای اینکه محل توجه عموم است می آیم يك خطایاتی در مورد تهدید و تحذیر داخل آن می کنیم و چندین ماده میگداریم که اسباب این بشود در صورتی که ممکن است بعد ها در مورد

بنوان قانونی اسباب هزاران اشکال بشود و هر کس هزار گونه از این عناوین مختلفه استفاده کند و يك طوری بشود که اسباب ندامت در آتی برای قانون گذار باشد و چون بنده این ماده قانون را از همان نمره مواد می دانم اینست که عرض می کنم این عبارتش اسباب استفاده اشخاص مختلف بعنوان مختلف است و همینجهت هم مخالف هستم چون اولش نوشته شده اشخاصیکه برضد دولت مشروطه عمل بعنوانین مختلفه قیام کرده باشند این عبارت عملاً و بعنوانین مختلفه اقدام کرده باشند هر دو يك عنوانی است که بدست هر کس داده شود ممکن است بعنوانین مختلفه اعمال اغراض شخصی در مورد اجرای آن بکنند در صورتیکه قانون گذار مرادش از این عنوانین مختلفه و عملاً اقدام کرده باشند يك قانون مخصوص کلی است حالا مرادش از عمل هر چه بوده است و هست بآن کاری ندارم ولی در این عبارت که بعنوانین مختلفه (باشد بنده حرف دارم چون این بعنوانین مختلفه اگر بدست يك کسی بیفتد که مصلح باشد یعنی بی غرض از درد اینصورت البته آن کسی را که مستحق مجازات است بحق مجازات میکنند ولی اگر بنا شود که اشخاصیکه مأمور اجرای این قانون هستند بخواهند بعنوانین مختلفه را در حق هر کسی باغراض خودشان عمل بکنند به بنیم آیا کسی می تواند که در مورد غرض از این مرحله بیرون رود و میتواند خودش را مصون بدارد بنده عرض میکنم که نمیتواند و اشخاصی هم که این قانون را در دست دارند نمیتوانند که اجرا بکنند و شاهد دارم اغراضی را که سابقاً اعمال شده بود و ما فراموش میکنیم در موقع قانون گذاری چنانچه در موقع قطع حقوق که در هیئت مدیره شد دیدیم که تمییز کردند یعنی بعضی ها را دیگر از آن ترتیبات که شد و حالا میخواهم مفصلاً عرض کنم شاهد بنده همان است و از اینجهت موافقم با آن پیشنهاد که آقای معزز الملک یادگیری در آنجلسه اول کردند که بنشینند تمییز کنند که اینها کیها بودند و حقوقشان قطع شود و ما اسباب اجرای اغراض اشخاص نشده باشیم و يك قانون را بدهیم بدست مردم چه در تهران و چه در ولایات که بعنوانین مختلفه دوران نوشته شده باشد برای اینکه بنده آن وقت میتوانم با کسیکه غرض دارم بهزار عنوان تهمت بزنم و او را بدست مأمورین دولت بپردازم که تو عملاً برضد دولت اقدام کرده پس این چیزی است که هزار هزار عناوین دارد و اگر در این قانون نوشته شود و همین طور این قانون را بقوه اجرائیه خودمان واگذار کنیم ممکن است بعد دچار خیلی اشکالات و معظورات بشویم که یکی از آن معظورها نقض غرض یعنی مصون بودن آن اشخاصیکه رفته اند و عملاً اقدام کرده اند برخلاف دولت و گرفتار شدن اشخاصیکه اقدامی نکرده اند باشد پس بنده ابدأ این ماده را باینطور تصویب نمیکنم و رأی هم ندارم
حاج عز الممالک (مخبر کمیسیون بودجه) - اگر چه آقای حاج آقا همانطوریکه فرمودند با اساس این ماده موافق بودند ولی بدبختانه بعنوانین مختلفه باین عناوین مختلفه مخالفت فرمودند اولاً عرض می کنم عدم مجازات باعث این شده است که واقفاً هر موقعی که در مملکت ما اسباب اختلالی پیش می آید

همه با کمال جرئت برخلاف دولت اقدام میکنند و کسی نیست که در مقابل اقداماتشان يك مجازاتی بدهد آن ها را و همین عدم مجازات باعث شده است که دولت همیشه دچار يك زحمت فوق العاده بوده است و اگر بفرسغه این مطلب می بیریم خواهیم دید که در فتح طهران اگر دولت جدیده مخالفین را مجازات کاملی میکرد امروز دچار این معظورات نمیشدیم حالا داخل این مطلب نمیشوم چون این مسئله خیلی طول خواهد کشید ولی این مطلب که آقای حاج آقا فرمودند و این مخالفتی را که بعنوانین مختلفه کردند بعقیده بنده میبایستی در مورد يك مواد شده باشد که خیلی از این ماده سخت تر بوده مثل قصاص و اعدام و اگر خوب ملاحظه شود خواهیم دید که در آن مواد ممکن بود این اشکالات و معظورات باشد و بعضی سوء اثرها پیدا شود ولی این ماده بکلی از این نوع عبارات بعقیده بنده دور است بجهت اینکه اولاً این ماده حقوق اشخاص را قطع میکند فرضاً که این حقوق بفرح هم قطع شود چه خواهد شد برای اینکه اصل این حقوق معلوم نیست که چه موضوعی داشته است و تا بنای هم این حقوق را ما با اشخاصی نمیدیم که بتوانند بخیالات خودشان هر کاری را که میخواهند بکنند تا بنای وزراء خودشان که قوه مجریه هستند مسئول این کارند و این ماده بدست آنها داده میشود البته اینکار هارا باید خودشان بکنند و چنانچه وزراء درست رفتار نکردند اگر این مجلس هم نباشد مجلس دیگر می تواند از آنها سؤال و استیضاح نماید اگر برخلاف این قانون عمل کرده باشند و هر کس نمیتواند این ماده را باعث پیشرفت اغراض و منافع شخصی خودش بداند مثلا امین مالبه فلان محل نمیتواند بگوید که مواجب فلان خان را نیده ام برای اینکه با اساس مشروطیت مخالفت کرده است این وظیفه وزیر است وزیر تمییز خواهد کرد که حقوق چه اشخاصی باید قطع شود و این را خودشان تعیین میکنند و اینکه میگویند که اسامی این اشخاص خوب بود که در کمیسیون معین شود این مسئله هم در کمیسیون مذاکره شد چون باشکالاتی بر میخوردیم که اصلاح ممکن نبود و اسباب موقوف شدن باصل این مطلب بود از این جهت کمیسیون ازین ترتیب صرف نظر کرده و حقیقتاً هم غیر ممکن بود و بنده تصور میکنم که کمیسیون و مجلس نمیتواند اشخاصی را که مخالفت کرده اند يك معین کند و مذاکره کنند بجهت اینکه ممکنست در مورد هر فردی از آنها بنده مخالفت بکنم و دیگری موافقت بکنم و بالاخره خیلی دچار اشکالات سخت تر بشویم خصوصاً که در موقع قانون گذاری باید مجلس قانون را بطور کلی بنویسد اینجا نوشته شده است که اشخاصی که عملاً برضد مملکت قیام و اقدام کرده اند گمان میکنم باعتقاد بنده هیچکس نمیتواند اشخاصی که عملاً قیام و اقدام نکرده باشند بگوید که تو اقدام کرده برضد اساس مشروطیت بواسطه اینکه مملکت مشروطه است و باعتقاد من تمام مردم حق دارند که ایفاء حق خودشان را بکنند و يك چیزی هم نیست که کسی انکار بکنند و حق هیچکس تضییع نخواهد شد هر کس که بتحقیق رسید مستوجب مجازات است

دولت مطابق این قانون با او رفتار خواهد کرد یعنی در خود این ماده تصریح شده است که اشخاصی که برضد اساس مشروطیت عملاً قیام یا اقدام کرده اند پس این ماده باعتقاد بنده آنقدر مطالب معینی ندارد که ما در او اقتدر دقت و جدیت بکنیم و بطور ساده است و این ماده که بگذرد هیئت دولت بخوبی میتواند این اشخاص را تعیین بکنند برای اینکه اشخاصی که مخالفت کرده اند میشود گفت که معین هستند و از این راه هم يك منفعت کلی بیودجه خواهد رسید ولی تك تك گفتن یقین دارم باین دوره تقنینیه نخواهد رسید مگر برای دوره آتی و در کمیسیون هم این مذاکره شد چون خیلی طول میکشد که اسامی يك يك را مطرح مذاکره قرار بدهند و در این دوره تقنینیه تمام نمیشد باین جهت بطور کلی قرار داده شد .
افتخار الواعظین - اینجا واقفاً نوشتن اسامی اشخاص را بنده صحیح نمیدانم و بدبختانه شاید عدّه اسامیشان زیاد شود که باید در صفحات نوشته شود بلکه کتابها میخواهد برای نوشتن آن اسامی ولی همینقدر سکه نوشته شود برضد مشروطیت و حکومت ملی قیام و اقدام کرده باشند کفایت میکند و کلمه بعنوانین مختلفه را زیاد میدانم همینقدر بنویسند که برضد مشروطیت و حکومت ملی قیام و اقدام کرده باشند این معلوم است یکی رفته است بیدان جنگ توب خالی کرده است يك کسی هم رفته است تفنگ خالی کرده است اما يك امین مالبه فلانجا مالیت فلانجا را برداشته و داده است بسالار الملوه دیگری هم فلان کار را کرده است اینها تمام در نظر دولت معین و مبرهن است تصور میکنم همان عملاً قیام و اقدام کرده است کافی است و لفظ عناوین مختلفه سبب خواهد شد شاید خدای بخوایست که هیئت دولت اگر چه در صدد نباشند ولی يك وقتی سوء استعمال بشود اگر بعنوانین مختلفه برداشته شود بهتر است و با آقای حاج آقا موافقم .
حاج شیخولی - بنده خیلی متأسف و متاثرم از نطقهاییکه آقایان نمایندگان میکنند و عناوین مختلفه را زائد میدانند و حال آنکه چیزی که لازم است باشد همین عناوین مختلفه است اشخاصی هستند که نه تفنگ برداشته اند و نه مالبه جانی را برداشته اند و تفنگ بکنند يك اتریکهائی کرده اند که از آنها تفنگ برداشته اند و رفته اند اینها لفظاً عمل کرده اند و آنها عملاً اقدام و قیام کرده اند آنوقت این اشخاصی که کارشان بهتر از آن اشخاصی است که عملاً اقدام کرده اند اینها را چه اسم میکنند میگویند لفظاً عمل کرده است و دیگر اینکه بنده میگویم چه سوء استعمال خواهد شد کسی را نخواهند گشت مال کسی را نخواهند ضبط کرد اینطور نیست بنده خیلی میل دارم که دولت سوء استعمال نکند و بعضی را قله داد کند که حقوقشان قطع شود اولاً این حقوق مشرومی نبود حقوق بیجائی بود حقوق مسلمه خدا داد نبود آنها بعنوانین مختلفه ایشان گرفته اند ما هم بلفظ عناوین مختلفه از آنها پس میگیریم این يك چیزی نیست که آنقدر اشکالات داشته باشد قطع حقوق است در صورتیکه بودجه ما هم اجازه نمیدهد که بعضی پولهای بیجا را بدهیم يك اشخاصی که آنها

هم بنا بر این مسئله بعضی اقدامات بکنند ما هم بهمان
 عنوان مختلفه از آنها بگیریم یعنی دیگر نمایانم
 بنده نمایانم از چه حیث است اشکالات آقایان نمایانم
 اگر يك هنك شرفی بود یا اینکه يك بی گناهی را
 مجازات میکردند یا يك قصاص بود حدودی معین
 میکردیم آنوقت میگفتیم يك بیچاره گرفتار خواهد
 شد و این سوء استعمال میشود سوء استعمال این است
 که يك کسی يك پول بی جهت يك کسی میداد حالا
 نمیخواهد بدهد یا اینکه سوء استعمال نیست بنده جهت
 این را نمی فهمیم يك مطلب دیگری که آقایان اظهار
 میدارند آن اینست مگر این قانون را بدست کی
 میدهیم که اجرا بکنند فرض کردیم اسم اشخاص را
 بیاورند اسم را کی میگویید باز دولت اسمی را پیشنهاد
 میکند ما اشخاصی که تمام برضد دولت اقدام کرده اند
 که نیشناسیم البته از طرف دولت یا اطراف بعضی
 اشخاص آنوقت اصل کلاچدر همان اشخاص خواهد
 شد و خواهند گفت که آن اشخاصی از طرف دولت
 تعیین میشود سوء استعمال کرده اند اول اینها مقصر
 نبوده اند آنوقت ما چه طور تشخیص خواهیم داد این
 خبری که ما رسیده است که فن شخص بر ضد دولت
 عمل کرده است شاید عمل نکرد باشد پس این قانون
 کلی است و سوتی که استعمال میشود همین حق
 خواهد بود

ارباب کیخسرو - بنده مخالف با اساس
 این نیستم و لازم میدانم ولی میترسم سوء استعمال
 بشود و در حق اشخاصی که بد اندیشی آنها سبب
 گرفتاری مردم شده است و کسانی که مخالف با
 دولت کرده اند فقط بهمین قدر مجازات اکتفا شود
 بنده هیچ عده امتدای پوزره ندارم که سوء استعمال
 کنند ولی میترسم که بعد این قانون بدست وزرائی
 بیفتد که سوء استعمال کنند از این جهت بنده لازم
 میدانم که يك مدتی برای این قرار بدهند که نماند
 که سوء استعمال شود که از آن تاریخی که بگذرد
 تا چه مدت این را انجام بدهند که نماند تا وقتی
 که سویی استعمال شود

محمد شاه میرزا - عرض میکنم آقایانی
 که در این موضوع اظهار مخالفت میکنند یعنی در
 ترتیب جزئیاتش و حال آنکه چند روز پیش در يك
 چیزی که مذاکرات میکردیم خیلی شبهه باین بود و
 آن مسئله بودجه درباری بود که کمیسیون سه ماه
 وقت خودش را صرف کرد تا آنکه اسمی اشخاص
 را تشخیص داد و بعد از آنهمه زحمات که کمیسیون
 کشیده وقتی که آمد در مجلس حضرات نمایندگان
 مخالفت کردند که اسمی اشخاص نباید در اینجا بیاید
 فقط در يك ماده باید بطور کلی نظر ایشان را پیشنهاد
 بنمایند برگشت به کمیسیون و در کمیسیون هم که
 مذاکره زیاد شد باز منتهی شد بنظر دولت که
 معین کند و این اعتراضی که آقای حاج شیخعلی
 کردند پیش میآید وقتی که به مجلس میآید همان اشکال
 مجدداً بود و در هر شخصی ممکن نبود وارد شد لابد
 بقاعده کلی میبایست ترتیبی داده شود و قانونی وضع
 شود که دچار اشکالات نشود و آن قانون را بدست
 يك هیئتی بسازیم و اعتماد و اقتدار آنها داشته باشم
 اگر چه بوزراء حالی تمام باتفاق اعتماد دارند باین
 چیزهای جزئی خوبست عدم اعتماد شود و بگویند
 سوء استعمال میشود اگر سوء استعمال شود در کار

های بزرگ بگویند سوء استعمال میشود همین قسمتی
 که آقای حاج آقا میفرمایند گویا فراموش کردند که
 خودشان در يك کلمه که کلمه معروف بمشاهده بود
 راجع بقانون انتخابات در چند روز قبل میفرمودند
 باید اینطور نوشته شود بنده عرض کردم این شاید
 بدست عوام بیفتد که نمیفهمد و سوء استعمال کنند
 گفتند معروفیت کافی است و البته اشخاصی که علناً
 قیام کرده اند از مشاهیر هستند و معروفند مثل بنده
 که اینجا نوشته ام بمن نخواهند گفت تو اقدام کرده
 که میگویند افعال فرض میشود گمان میکنند کاین
 ایرادی ندارد بجهت این است که این قانون را بدست
 کسانی میدهند که اشخاص را معین میکنند که برضد
 حکومت ملی اقدام کرده اند و البته آنها اشخاصی
 هستند که شمشیر کشیده اند یا گلوله زده اند یا علا
 بر خلاف دولت کوشیده اند اینها چیزی نیست که بتوانیم
 تشخیص بدهیم اینها را اگر مانع تشخیص بدهیم
 گویا خیلی از موضوعات حرفه را هم نتوانیم تشخیص
 بدهیم

رئیس - گویا مذاکره کافی است (بعضی
 گفتند کافی است بعضی گفتند کافی نیست)
رئیس - رأی میگیریم که مذاکرات کافی است
 یا کافی نیست آقایانیکه تصویب میکنند مذاکره کافی
 است قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)
رئیس - با کثرت تصویب شد مجدداً آماده قرائت
 میشود ولی در ققره پیشنهاد شده است خوانده میشود
 (پیشنهاد با بجزارت ذیل قرائت شد)

(۱) از طرف زنجانی - بنده تقاضا میکنم
 عوض لفظ عناوین مختلفه به عنوان نوشته شود .
 (۲) از طرف نیر السلطان - این بنده پیشنهاد
 میکند که ماده اول طرح آقای ادیب التجار منقسم
 شود مگر اینکه اعمال سابق خود را جبران و خدمتی
 عده با اساس مشروطیت نمایند در اینصورت حقوق
 آنها مجدداً برقرار میشود .
 (۳) از طرف ارباب کیخسرو - بنده پیشنهاد
 میکنم این جمله باده قطع حقوق مخالفین اساسی
 مشروطیت اضافه شود هیئت دولت در يكماه بعد از
 تاریخ تصویب این ماده باید این قانون را بموقع اجرا
 گذارده صورت اسمی اشخاص مقطوع الحقوق را در
 روزنامه رسمی درج کنند .

رئیس - آقای زنجانی توضیح دارید بفرمائید
آقا شیخ ابراهیم زنجانی - لفظ عناوین
 مختلفه صحیح نیست یعنی یک نفر بنا بر این مسئله
 کرده اند يك قدری اشکال دارد بنویسند بهر عنوان
 بهتر است .

رئیس - کمیسیون چه میگوید - مخبر بنده
 قبول میکنم .
رئیس - آقای نیر السلطان توضیح بدهید .
نیر السلطان - بنده گمان میکنم توضیحی لازم
 نداشته باشد استدعا دارم رأی بگیریم .

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای نیر
 السلطان آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند .
 (عده قبلی قیام نمودند)
رئیس - در دند آقای ارباب کیخسرو دارید .
ارباب کیخسرو - بنده توضیح يك قسمتش
 را دادم و جمله اخیرش را توضیح میدهم اسمی اشخاصی
 که معین میشوند که حقوق آنها قطع شود در روزنامه

رسمی نوشته شود که همه مردم بدانند و خودشان هم
 بدانند که اشتباه نشود که حقوق سایر مردم را
 قطع کردند .

رئیس - کمیسیون چه میگوید .
مخبر - يكماه کم است اگر سه ماه باشد
 بنده قبول میکنم .
ارباب کیخسرو - سه ماه بکنید بنده سه ماه
 را قبول دارم .
رئیس - تأمدت سه ماه را قبول دارید .
مخبر - بله قبول دارم .
 (ماده ۱ با اصلاح مزبور و تبدیل لفظ مشروطه
 بحکومت ملی مجدداً قرائت شد)

حاج سید ابراهیم - مخصوصاً تمام این
 مطالب در کمیسیون مذاکره شد و لفظ حکومت
 برداشته شد مشروطه نوشته شد و مشروطه هم باید
 نوشته شود چون ما قسم خوردیم که بدولت و مملکت
 مشروطه ما نظری که در قانون اساسی هم نوشته شده
 است حکومت ملی صحیح نبود نوشتیم اشخاصیکه
 بضد مشروطه بنده میبینم که يك ماده دیگر خوانده
 میشود و اینکه میگویند اگر بعدها کسی خدمتی
 با اساس مشروطیت نماید در اینصورت حقوق آنها
 برقرار میشود - بنده عرض میکنم اگر کسی پیدا
 شد که خدمتی کرد ممکن است که يك پیشنهادی
 بکنید بقیه بنده همانکه از کمیسیون گذشته
 است کسیکه بضد مشروطه اقدام کرده است
 صحیح است .

حاجز الممالک - پیشنهادی بحکومت ملی
 نشد که من قبول بکنم بنده پیشنهاد ارباب را قبول
 کردم .

رئیس - اصلاح آقای دکتر رضاخان خوانده
 میشود يك اصلاحی هم از طرف حاج شیخ الرئیس
 شده است قرائت میشود (مجدداً پیشنهاد دکتر حاج
 رضا خان قرائت گردید) (اصلاح حاج شیخ الرئیس
 بجزارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بجای ضد مشروطیت ضد
 حکومت ملی نوشته شود بحدف عناوین مختلفه
رئیس - آقای حاج شیخ الرئیس توضیحی
 دارید بفرمائید .

حاج شیخ الرئیس - بنده نمیتوانم متعجب
 و متأسف نباشم که اینهمه زحمات و وسدمات که آزادی
 طلبان کشیده اند و هر کس باندازه خودش تحمل
 کرده است و میکنند برای این بود که تحصیل آزادی
 بکنیم حریت مشروعه یکی آزادیهای مشروع که
 گویا هیچ دولتی که در تجدید مشروطیت داخل میشود
 مستثنا از این مطلب نیست آزادی عقاید است آن
 روز بنده عرض کردم و حال هم عرض میکنم که
 هیچکس را احتمال نشود داد (یعنی هیچ نادانی)
 که بگوید من ارتجایی هستم یا حامی ارتجاعیهای
 عرض میکنم آن چیزی که نسبتاً بمجازات مایه
 مجازات است نسبت بقطع مرسوم یا قطع حقوق من
 هیچکدام را فرق نمیگذارم هر دو را برای مخالفت
 با حکومت ملی لازم میدانم برای اینکه نظر خودتان
 را باید منعطف بکنید و از روی يك ترتیب صحیحی
 تمام افراد را نگاه کنید و رسیدگی نمائید در هیچ
 مملکتی تمام آحاد مردم نه جمهوری است نه مشروطه خواه

دولت ما مشروطه است امروز اگر کسی برخلاف عقیده
 دولت مشروطه ما کم مشروطه را تصویب کرده و قبول کرده
 اقدامی بکند و ملخ مخالفت بکند البته قانون مجازات
 هر چه در باره او تجویز بکنند بنده همراه یا قطع
 مرسوم یا قطع حقوق ولی ضدیت مشروطه را بنده
 با خوانین مخالف میدانم و بنده عرض میکنم که نباید
 مواجبا و قطع شود و بدارش هم نباید بزنند همانطور
 که در تمام دنیا معمول است و اشخاصی هستند کدر
 مجالس و محافل برضد مشروطه سخن میگویند و حتی
 امروز در فرانسه هستند جمعی که آرزوی سلطنت
 ناپلئون را دارند و کسی متحمل آنها نمیشود ولی
 اگر برخلاف قوانینی که در مملکتشان جاری است
 يك کسی اقدام نماید و بيك سوت يك پیسی اعتنا
 نکند قتلش واجب است حالا ما بیائیم هر کسی که
 برضد مشروطه حرفی زد یا يك همچو صحبتی کرد
 باید او را بکشیم و خانهاش را بر سر او خراب بکنیم
 این صحیح نیست و دیگر اینکه آقایان میفرمایند
 تصریح اسمی خلاف وظیفه مجلس است عجب است
 کسانی که از کفر ابلیس اعمالشان مشهورتر است و
 قیام اقدام کارهاشان معلوم است مگر آن ها را
 اسمایشان را میترسند بپرند اگر مواجبا در بگویند
 در يك قانون کلی قطع شود دیگر اینکه میفرمایند
 در روزنامه رسمی عده اسمیشان نوشته شود بدست
 شورای ملی اطلاع بدهند که بدانند برای اینکه بدانند
 که سخن را بی ماخذ نمیگویم عرض میکنم کدر همین
 تهران حاضر و همانها که اجرای امور را بدست آنها
 داده ایم تبیض میکنند و کسی نمیدانند و بعد از این هم
 خواهند کرد .

دکتر حاج رضاخان - بله همین قدر از مخبر
 خواستم بیرسم در هیچ جای دنیا اولاً مشروطه نیست
 این مشروطه ترجمه است و غلط ترجمه شده است و
 قندهای آزادی طلب ها است که مشروطه میگویند
 دیگر اینکه خیلی احزاب هستند در مملکت مشروطه
 و مرانامه هایی که از آن فرقه احزاب بیرون میآید
 ممکن است که برضد مشروطه باشد حکمکن است که
 در آنجا جمهور طلب هم باشد آنها را نمیتوان گفت
 باسم مشروطه حقوق این اشخاص را قطع کرد اینکه
 بنده پیشنهاد کردم در عوض مشروطه بحد حکومت
 ملی چون حکومت ملی هم شامل مشروطه است و هم
 شامل چیز دیگر باین واسطه پیشنهاد کردم که حکومت
 ملی بنویسند و الا اسباب زحمت خواهد شد .

رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای دکتر
 حاج رضاخان و آقای حاج شیخ الرئیس که نوشته اند
 بجای مشروطه حکومت ملی نوشته شود آقایانی که
 تصویب میکنند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)
رئیس - با کثرت تصویب شد - این می ماند
 برای جلسه دیگر برای اینکه مخبر کمیسیون که قبول
 نکردند چون قابل توجه شد باید برود بکمیسیون
 موافق نظامنامه امروز نمیتوانیم رأی بگیریم - تقاضائی
 است آقای حاج وکیل الرعایا کرده اند خوانده میشود
 (تقاضای مزبور بجزارت ذیل قرائت گردید)
 مقام منبع مجلس مقدس شورای ملی شیدانها را کانه
 و بیانه خاطر مبارک نمایندگان معترم ملت را باین
 پیشنهاد خود جلب نموده عرض مینماید یکسانان
 اطراف ملایر و همدان در زیر دست متعز دین و دشمنان

عدالت و انسانیت که اتباع سالارالدوله باشند بکلی
 غارت شده بی معاش و بی لباس با این بروند هوا
 زندگی بآنها مشکل گردیده دولت با کمال سرعت
 توجه فراهم آوردن لوازم زندگی آنها بوده هست
 خوبست مجلس مقدس شورای ملی بتوسط این پیشنهاد
 حقیر این اخبار را بدولت بدهد در عوض يك
 قسمت کوچک از خساراتی که به خزانه دولت و
 دارائی ملت متعز دین وارد آورده اند دولت معادل
 چهار هزار خروار کندم و جو از همین المال یافیان
 مابین هشت هزار خانوار ساکنین اطراف ملایر و
 همدان برای يك قسمت از ماش زمستان آنها با
 مباشرت امنای مالیه و امنای معنی تقسیم فرماید
 لهذا این يك ماده را پیشنهاد نموده بجزارت تقاضا
 مینماید که نمایندگان ملت رأی خودشان را در این
 خصوص بفرمایند .

ماده واحد - دولت مجاز است چهار هزار
 خروار کندم و جو از عین المال متعز دین باین هشت
 هزار خانوار غارت شدگان اطراف ملایر و همدان
 با مباشرت امنای مالیه و معنی تقسیم نماید .
رئیس - مذاکره نخواهد شد میرود بکمیسیون
 رابورتن که آمد بعد مذاکره میشود استیضاحی است
 که از طرف آقای ادیب التجار شده است چند استیضاح
 است قرائت میشود .

(استیضاح آقای ادیب التجار بجزارت ذیل قرائت گردید)
 مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی - این بنده
 از هیئت وزراء عظام در خصوص اوراق و اسناد
 مضربه و مفسده انگیز که در این مدت نظمه بدست
 آورده در این انقلاب اخیر بوجوب فرموده مصادر
 امور بدست آمده و بعضی تلنگرافاتیکه در مجلس
 مقدس هم قرائت شد و تصریح دلالت داشت بر اسناد
 زیاد که بچنگ دولت آمده و بهمین جهت در جلسه
 پنجشنبه ۱۱ شوال پیشنهادی بامضای ۴۱ نفر دیگر
 از نمایندگان مجلس تقدیم کردم و در همان جلسه
 با کثرت تصویب و با تاکیدات از هیئت وزراء
 عظام از جانب مجلس خواسته شده و تا حال نرسیده
 دیگر در خصوص عدم مجازات کلیتاً و خصوصاً از
 مرتکبین این انقلاب اخیر که متضمن اینهمه خونریزی
 و غارت مال مردم و خرابی بلاد و قسبات و قراه
 بوده و تزلزل بسکونت تا مملکت انداخته و
 مجازات کسانی که مقدمات این وقوئات را فراهم آوردند
 و از وزارت جلیله داخله در خصوص عدم تعیین و
 اعزام حکام با ایالات آذربایجان - خراسان - فارس - گیلان
 عربستان - همدان - لرستان - وغیره در باره اوراق عمومی
 و بخصوص نان تهران و سایر جاها و زیاد روی
 بعضی حکام در بعضی جاها و بعضی مطالب دیگر از
 وزارت خارجه در خصوص عدم ترقب مامورین مقیم
 در خارج و عدم مواظبت وزارت در مرکز از حرکت
 شاه مخلوع و ابتاع او از نقاط اروپا و مجامع
 آنها و عدم توجه وزارت جلیله در جلوگیری از
 ورود شاه مخلوع بسرحد و سالارالدوله بنقطه دیگر
 و عدم اعزام امور ادسا و بعضی مطالب دیگر راجع
 بوزارت معظم البها و عدم مجازات کسانی که در
 ابتدا ایا جهالة از سوء اداره یا از راه عدم مقدمات
 رجعت تبعید شدگان را فراهم آورده اند و از باب
 ورود یکمده قشون انگلیس به بندر بوشهر و حال
 آنکه هیئت در آن محدود مسلم است و از وزارت عدلیه

در باب کلیه بی ترتیبی های عدلیه در مندرجات فوق
 و بعضی مطالب دیگر استیضاح دارم و مستعین روز
 حضور وزراء عظام در مجلس مقدس برای جواب
 رامعین فرمائید .
رئیس - اطلاع داده میشود و روزنامه
 تعیین میشود .
افتخار الواعظیه - يك فقره اش مخالف
 قانون است .
رئیس - آنچه مخالف قانون است فرستاده
 نمی شود .

آقا میرزا احمد - عرض بنده هم راجع بود
 بهمان اسناد مضربه که فرستاده اند و ما یوس شده
 بودم حالا آقای ادیب التجار استیضاح کرده اند عرض
 ندارم و تقاضا میکنم جوابها اینکه از هیئت وزراء
 رسیده است در این باب بیخوانند که به بنیتم جواب
 نداده یا نمیخوانند بدهند معلوم شود .
رئیس - هیچ جوابی تا حال نرسیده است
 که خوانده شود یا خوانده نشود .
افتخار الواعظیه - بنده در ذیل توضیحاتی
 که برای شرکتند سازی میدادم يك کلمه اشتباهاً
 عرض کردم ولذا ملتفت شدم که آن کلمه که اشتباهاً
 عرض کردم برخلاف عقیده بنده بوده این است که
 خواستم به آقایان توضیح عرض کنم که مقصود بنده
 چه بوده است مقصود بنده این بود که ما باید حتی -
 الامکان اگر بتوانیم حتی المقدور سرمایه دیگران را
 هم در این کارشکت بدهیم یعنی در کارهای خودمان
 سرمایه دیگران را شرکت بدهیم ضرری ندارد بلکه
 نفع ماست و هیئت دولت تصویب بکنند مضرنخواهد
 بود و بعد اشتباهاً عرض کردم (بدست دیگران)
 مقصودم سرمایه دیگران بود .
رئیس - تقاضائی از آقای معین الرعا شده است
 قرائت میشود .
 (بجزارت ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد میکنم شش نفر از طرف مجلس
 شورای ملی معین شود برای تسریع حرکت قوه
 نظامی که هیئت دولت در نظر گرفته است به
 آذربایجان اعزام شود همین امروز و فردا با وزراء
 عظام گفتگو نموده هر چه زود تر حرکت بدهند .
رئیس - مخالفی نیست در این باب (اظهار نشد)
رئیس - پس قبل از آنکه آقایان تشریف
 ببرند این کمیسیون را معین کنند چون اگر خواسته
 باشیم بگذاریم برای جلسه دیگر دیر میشود - این
 مطلب را میخواستیم عرض کنیم که امروز نصف وقت
 ما تلف شد بواسطه این پیشنهاد هائی که شد و مجبور
 هم بودیم که یکی یکی رأی بگیریم بهمین ترتیب
 یک ساعت وقت تلف شد بعد از این خواهش میکنم اصلاح
 و پیشنهاد را قبل از وقت بمخبر کمیسیون بدهید تا کمیسیون
 که زود تر اطلاع داشته باشد چون بعضی اصلاحات
 هست که بیشترش يك معنا دارد و بنده چون وقت
 ندارم نمیتوانم در هر کدام از آن ها رأی بگیرم
 وقتان تلف میشود قبل از وقت باید یا بنیتم بدهند
 یا بمخبر کمیسیون .
معزز الملک - بنده راجع بقانون انتخابات
 يك تقاضائی کرده ام .
رئیس - بفرمائید .

دولت ما مشروطه است امروز اگر کسی برخلاف عقیده
 دولت مشروطه ما کم مشروطه را تصویب کرده و قبول کرده
 اقدامی بکند و ملخ مخالفت بکند البته قانون مجازات
 هر چه در باره او تجویز بکنند بنده همراه یا قطع
 مرسوم یا قطع حقوق ولی ضدیت مشروطه را بنده
 با خوانین مخالف میدانم و بنده عرض میکنم که نباید
 مواجبا و قطع شود و بدارش هم نباید بزنند همانطور
 که در تمام دنیا معمول است و اشخاصی هستند کدر
 مجالس و محافل برضد مشروطه سخن میگویند و حتی
 امروز در فرانسه هستند جمعی که آرزوی سلطنت
 ناپلئون را دارند و کسی متحمل آنها نمیشود ولی
 اگر برخلاف قوانینی که در مملکتشان جاری است
 يك کسی اقدام نماید و بيك سوت يك پیسی اعتنا
 نکند قتلش واجب است حالا ما بیائیم هر کسی که
 برضد مشروطه حرفی زد یا يك همچو صحبتی کرد
 باید او را بکشیم و خانهاش را بر سر او خراب بکنیم
 این صحیح نیست و دیگر اینکه آقایان میفرمایند
 تصریح اسمی خلاف وظیفه مجلس است عجب است
 کسانی که از کفر ابلیس اعمالشان مشهورتر است و
 قیام اقدام کارهاشان معلوم است مگر آن ها را
 اسمایشان را میترسند بپرند اگر مواجبا در بگویند
 در يك قانون کلی قطع شود دیگر اینکه میفرمایند
 در روزنامه رسمی عده اسمیشان نوشته شود بدست
 شورای ملی اطلاع بدهند که بدانند برای اینکه بدانند
 که سخن را بی ماخذ نمیگویم عرض میکنم کدر همین
 تهران حاضر و همانها که اجرای امور را بدست آنها
 داده ایم تبیض میکنند و کسی نمیدانند و بعد از این هم
 خواهند کرد .

دولت ما مشروطه است امروز اگر کسی برخلاف عقیده
 دولت مشروطه ما کم مشروطه را تصویب کرده و قبول کرده
 اقدامی بکند و ملخ مخالفت بکند البته قانون مجازات
 هر چه در باره او تجویز بکنند بنده همراه یا قطع
 مرسوم یا قطع حقوق ولی ضدیت مشروطه را بنده
 با خوانین مخالف میدانم و بنده عرض میکنم که نباید
 مواجبا و قطع شود و بدارش هم نباید بزنند همانطور
 که در تمام دنیا معمول است و اشخاصی هستند کدر
 مجالس و محافل برضد مشروطه سخن میگویند و حتی
 امروز در فرانسه هستند جمعی که آرزوی سلطنت
 ناپلئون را دارند و کسی متحمل آنها نمیشود ولی
 اگر برخلاف قوانینی که در مملکتشان جاری است
 يك کسی اقدام نماید و بيك سوت يك پیسی اعتنا
 نکند قتلش واجب است حالا ما بیائیم هر کسی که
 برضد مشروطه حرفی زد یا يك همچو صحبتی کرد
 باید او را بکشیم و خانهاش را بر سر او خراب بکنیم
 این صحیح نیست و دیگر اینکه آقایان میفرمایند
 تصریح اسمی خلاف وظیفه مجلس است عجب است
 کسانی که از کفر ابلیس اعمالشان مشهورتر است و
 قیام اقدام کارهاشان معلوم است مگر آن ها را
 اسمایشان را میترسند بپرند اگر مواجبا در بگویند
 در يك قانون کلی قطع شود دیگر اینکه میفرمایند
 در روزنامه رسمی عده اسمیشان نوشته شود بدست
 شورای ملی اطلاع بدهند که بدانند برای اینکه بدانند
 که سخن را بی ماخذ نمیگویم عرض میکنم کدر همین
 تهران حاضر و همانها که اجرای امور را بدست آنها
 داده ایم تبیض میکنند و کسی نمیدانند و بعد از این هم
 خواهند کرد .

مهر زالملك - چون خیلی کم مانده است بدوره تثبیت مجلس بنده تقاضا کرده ام که از طرف هیئت رئیسه تأکید شود بهیئت وزراء حاکم زود تر قانون انتخاباتی که از مجلس گذشته است بامضای حضرت اشرف آقای نایب السلطنه برسانند و خیلی زودتر در تهران اعلام انتخاب بکنند که لافلا شروع بانتخابات شده باشد .

رئیس - همین طور امروز تأکید شده است .

رئیس - دستور روز سه شنبه سه ساعت و نیم بنوب مانده راپورت کمیسیون بودجه راجع بهشتاد و نه هزار تومان حقون برگشتی از بودجه وزارت در بار قانون اساسی معارف - ماده واحده آقای آقای ادیب التجار راپورت کمیسیون بودجه راجع به میرزا حسینخان مقتول

افتخار الواعظین - اولاً امیدوار هستم تا قانون شرکتها راپورتش از کمیسیون داده شود که طبع و توزیع شود که در روز سه شنبه بتوانیم جزء دستور بگذاریم و تقاضا میکنم که اگر تارو سه شنبه داده شد اورا جزء دستور بگذارید و یکی هم راپوزنی از کمیسیون فواید عامه داده شده است راجع بجزیره هرمز که باید بجای معین التجار داده شود از طرف دولت تقاضا شده است که شور دوم او هم بشود و تکلیف این مسئله هم معین شود که هیئت دولت تکلیف خودش را بداند این است که تقاضا میکنم که این مطلب هم جزء دستور شود .

رئیس - این مطالبی که جزء دستور گذاشته شده است تمام مهم است اگر وقت شد اورا هم جزء دستور قرار میدهم .

حاج شیخ الرئیس - بنده در حقیقت به ترجمان افکار تمام آقایان عرض میکنم که مسئله پیشنهاد بودجه راجع بسیف المجاهدین هیچ مذاکره ندارد و خوب است سه شنبه مطرح مذاکره قرار دهد که تکلیفش معلوم شود .

رئیس - اگر وقت پیدا کردیم چه صیب دارد .
حاج عز الممالک - بنده يك طرحی تقدیم کرده بودم راجع بسفارت لندن اگر مخالفی نیست او را جزء دستور قرار بدهید .

رئیس - دستور همین قدر گمان میکنم کافی باشد برای روز سه شنبه برای روز پنجشنبه ممکن است (مجلس يك ساعت و نیم از شب گذشته ختم گردید)

جلسه ۲۱۵

صورت مشروح مجلس رور سه شنبه ۸ شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۲۶

رئیس آقای مؤتمن الملك) سه ساعت و نیم قبل از غروب آفتاب بجای خود جلوس نمود و پس از بیست دقیقه مجلس افتتاح شد صورت مجلس روز شنبه را آقای آقا میرزا ابراهیم خسان قرائت نمودند (غایبین جلسه قبل) بدون اجازه آقایان دکتر علیخان آقا سید محمد باقر ادیب غایب با اجازه - آقای شیبانی - مریش - آقامیرزا علی اکبر خان - آقایانی که از وقت مقرر تاخیر نموده اند آقایان حاج وکیل الرعایا - دکتر لقمان ۳۰ دقیقه آقای حاج شیخ اسدالله ۴۰ دقیقه

ادیب التجار - در خصوص سیم نقاله راجع بمصرف مریضخانه ها و مدارس چنانچه عرض کردم

آن شب پیشنهاد دادم يك پیشنهاد آن ذکر شده و آن پیشنهاد دیگر که به آقای رئیس کمیسیون داده بودم آن قید نشده و همانوقت هم اظهار کردم گویا مفقود شده است .

رئیس - همان وقت گفته شد که نرسیده است دیگر در صورت مجلس ملاحظاتی نیست (اظهاری نشد) ماده واحده که ادیب التجار پیشنهاد کرده بودند بکمیسیون ارجاع نشد چون مطابق نظام نامه داخلی نمی توانیم رأی بگیریم معوق ماند و بجلسه بعد معول شد راپورت کمیسیون بودجه راجع به ۸۹۰۰۰ تومان برگشت بودجه در باری قرائت میشود .

معاون وزارت معارف - لایحه بود راجع باتاثیه مدارس در هفته قبل این بود در جلسه پنج شنبه مذاکره شود يك نقص داشت و آن نقص مرتفع شد استعدا میکنم که آن را زودتر در دستور بگذارند و از مجلس بگذرد

رئیس - بله لایحه چند روز قبل راجع به اثاثیه پنج باب مدرسه ابتدائی پیشنهاد شده بود چون بامضای دولت نرسیده بود استرداد کرده و بامضای رسانیدند و چون مضمر است تقاضا می کنند که جزء دستور امروز گذاشته شود مخالفی هست (گفتند خیر) لایحه وزارت معارف خواننده می شود .

(لایحه مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه نظر بقانون (۲۸) سنبله تنگوزئیل ۱۳۲۶ وزارت معارف دزدند است که هرچه زودتر پنج باب مدرسه ابتدائی دولتی تهران را مفتوح نماید و ملی مع التأسف در پیشنهاد قانون مزبور که از طرف وزارت علوم شده بود برای مخارج اثاثیه مدارس مذکوره وجهی تقاضا شده بود و در موقع مذاکرات آن در مجلس مقدس هم این نقص تکمیل نگردیده و چون بعد از وضع وانتشار قانون (۲۸) سنبله تمام مردم با کمال هجله منتظر افتتاح مدارس دولتی بوده معلمین هم که تعقب تحصیلات خود را برای افتتاح مدارس دولتی معوق گذاشته اند هجله تمام دارند که مدارس مزبوره مفتوح گردد وزارت معارف پس از تبادل افکار با خزانه دار کل و تحصیل اطمینان از طرف مشارالیه برای امکان پرداخته شدن این وجه ماده ذیل را پیشنهاد کرده و نظر باینکه يك ماه از اول سنه تدریس گذشته و اگر مدارس دولتی تأمیت قلبی تأسیس نشود شاگردانی که امسال وارد آجامی شوند نخواهند توانست که تا آخر سال تدریس تحصیلات خود را با تمام برسانند و بدین مناسبت امسال وقت آنها تضییع شده و مخارجی هم که دولت عینمائید تقریباً بلائمر خواهد بود فوریت ماده پیشنهادی را تقاضا دارد .

ماده واحده - برای تهیه اثاثیه پنج باب مدرسه ابتدائی دولتی طهران که مطابق قانون (۲۸) سنبله تنگوزئیل ۱۳۲۶ باید تأسیس شود مبلغ سه هزار و پانصد تومان بوزارت معارف اعتبار داده میشود .
حاج شیخ علی خراسانی - همینطوری که پیشنهاد شده اول اثاثیه این مدارس ابتدائی منظور نشده است اما از آنوقتیکه تصویب شده است تا بجا بل قریب یکماه و نیم است شاید تا وقتی هم که تأسیس

بشود یکماه دومه دیگر طول بکشد و آن تصویری که از مجلس گذشت راجع به بودجه هذمه السنه بوده لابد از روز اول که این قانون گذشته حساب کنند باید سه ماه حساب کنند ممکن است ماهیانه سه ماه را دریافت دزدند و بمصرف اساس برسانند اگر حقوق چند ماه اول را موافق تصویب مجلس دریافت کنند و بمصرف اثاثیه برسانند دیگر لازم نیست که ما يك تصویب جدیدی بکنیم یعنی اینکار که این از آنوقتی که قانون را ما گذرانیدیم لابد باید اجرا بشود و اگر حساب کنیم از وقتی که تصویب شده تا وقتی که تأسیس بشود سه ماه چهار ماه معطل بوده یعنی هنوز تأسیس نشده اثاثیه آن سه هزار و پانصد تومان شده است و حقوق چند ماهه اول چهار پنج هزار تومان میشود اگر آنرا از دولت دریافت نمیکند بفرمایند و اگر دریافت میکنند بمصرف اثاثیه مدارس برسانند که محتاج بتصویب جدید نباشد .

معاون وزارت معارف - اینطوریکه آقای حاج شیخ علی فرمودند صحیح است و همینطور است و چنان نیست که آنوجه در نظر نباشد یا ملاحظه او نشده باشد بعد از آنکه این قانون در شورای معارف این مسئله مطرح شد که این وجهی که معین شده است چند ماهه اول را بگیریم و صرف اثاثیه بکنیم ولیکن دو نظر داشت که نتوانستیم آن کار را بکنیم یکی آنکه از روزی که آن پول را می گرفتیم بر حسب قانون فوراً باید مدارس را ایجاد کنیم و چون اینوجه از برای مخارج نگاهداری مدارس بمصارف دیگر نمیتوانیم برسانیم بعد با خزانهدار کل مشورت کردیم اظهار داشت که در هر صورت یکی از این دو تا را مجلس باید رأی ندهد یا اینکه برای بدهند همین وجه را بگیرند و صرف اثاثیه کنند یا اینکه این مبلغ را برای اثاثیه تصویب کنند بعد که مدارس تأسیس شد آنوجه گرفته شود بملاحظه اینکه اثاثیه گرفته شود و شروع بکار بشود نمیشود آنوجه را گرفت از این جهت این لایحه را پیشنهاد کردیم که این وجه گرفته شود و بمصرف اثاثیه برسد بعد که اثاثیه حاضر شد و شروع بترتیب کار شد از همان وقت آن وجه اولی گرفته شود و بمصرف مدارس برسد .

بجهت - بنده این مسئله را هرگز تصویب نمیکند که مصارف ماهیانه مدارس صرف اثاثیه شود اما خیلی تعجب میکنم با وجود اینکه پیشنهاد وزارت معارف در باب تأسیس پنج مدرسه رد شد و نه باب مدرسه ابتدائی برای مرکز و ایالات تصویب شد و باز حالا نمیدانم چگونه شده است برای پنج باب مدرسه اثاثیه پیشنهاد میکنند این چیز غریبی است که وزارت معارف بکلی ایالات را از مد نظر دور کرده اند بعد از آنکه احساسات مجلس معلوم شد و گفتند که این نه باب مدرسه باید تأسیس شود برای ایالات هم باشد باین معنی که هر ایالتی یکی و برای طهران پنج تا پس از آنکه این مسئله از مجلس گذشت باید وزارت معارف تکلیف خود را بداند و نظری هم بسایر ایالات داشته باشد آنوقت عرض کردم حالا هم عرض میکنم که وزارت معارف فقط نظر خودش را بطهران محدود کرده و این ظلمی است باشخاصی که در طهران نیستند در حالتی که نباید این قسم باشد بجهت اینکه در طهران مدارس